

خلاقیت های تدریس

راز معلمان موفق

تاریخچه علم تربیتی

فایل های آموزشی

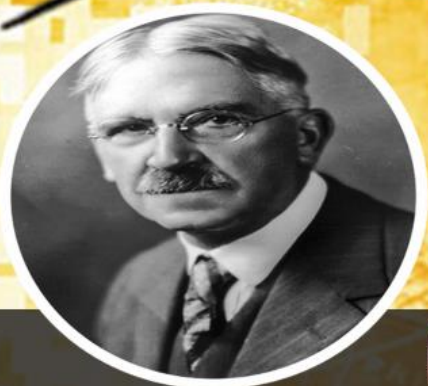
ادامه تحصیل در رشته علوم تربیتی

باید در نظر داشت که

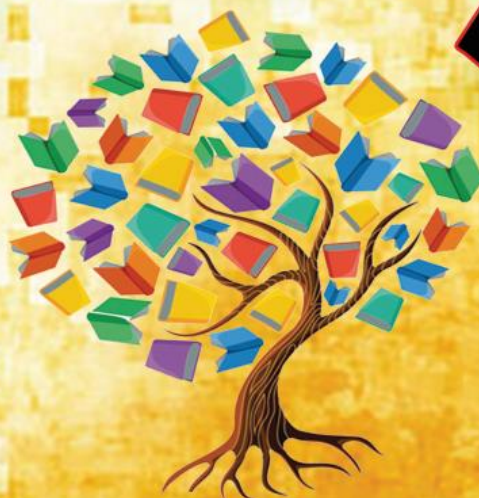
«آموزش و پرورش»

منحصربه افراد، زمان و

مکان خاصه نیست.



جوانه علم



پیش به سیری خلاقیت

معلم چه کتابه را باید بخواند؟

راز موفقیت معلم چیست؟

تاریخچه علوم تربیتی

معلم با چه راه کارهایی

حواس دانش آموز را متمرکز

کند؟

همه دانستنی های معلم، در نشریه جوانه علم



instagram: javane_elm_mag



بخوانیم

علم

نوروز ۹۹

سپاس فراوان از سرکار خانم فاطمه سلمان نژاد

دعوت به همکاری در نشریه

نشریه جوانه علم
از شما عزیزان دعوت
به همکاری می کند

گویند گے



نویسند گے

ویراستار



۰۹۳۶۳۱۱۹۵۴۵

پل ارتباطی



تدوین

عکاس



طراح



خبرنگار



انجمن علمی علوم تربیتی
پردیس شهید رجایی فارس



جوانه علم



بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر اکرم (ص):

لو كان العلم معلقاً بالثريا لتناوله قوم من ^{عنه} بناء فارس؛ اگر
علم به ثریا آویخته بود، گروهی از فرزندان فارس بدان
می رسیدند.

اولین قدم....
اولین شماره....

نوش نگاهتان



با ما همراه باشید

فهرست

۱	بیانات رهبری
۲	سر آغاز کلام
۳	تاریخچه علوم تربیت
۵	گرایش های علوم تربیت
۸	مقاله دکتر اناری نژاد
۱۰	مصاحبه دانشجوین برتر
۱۱	فایل های آموزش
۱۲	نگاه علم به عوامل موثر در تعلیم و تربیت
۱۶	ویژگی های معلم شاخص
۱۷	نقد روانشناسی تربیت غربی
۲۰	خلاقیت در تدریس
۲۲	نقشه راه تدریس
۲۵	حضور کلاس، غیاب حواس
۲۶	معرفی کتاب
۲۷	نگاه علم به مشکلات اجتماع
۲۹	پیشنهادهای دانشجو
۳۰	جدول



به نام خدا...

استاد راهنما دکتر عباس اناری نژاد
گاهنامه جوانه علم
سال اول، شماره اول، نوروز ۱۳۹۹
صاحب امتیاز: انجمن علوم تربیت
پردیس شهید رجایی فارس
مدیر نشریه: محسن خلیله
سردبیر: آرش کهن قطب آبادی



اعضای نشریه جوانه علم در شماره نخست



فائزة فرازنده
ویراستار



محسن خلیله
مدیر نشریه



آرش کهن قطب آبادی
سردبیر نشریه
گرافیکست



مجید محمدی
نویسنده



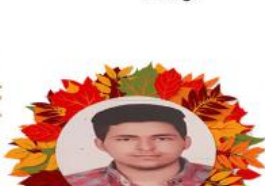
دکتر ابراهیم محمد جانی
نویسنده



علی محمد خلیله
نویسنده



میلا کراست
نویسنده



ابلفضل طهماسبی
نویسنده



نیما دهقان
نویسنده



علیرضا قوهستانی
نویسنده



فاطمه ساسان نژاد
نویسنده



حمیده نوروزی
نویسنده



نرجس بیگم
نویسنده



مجتبی رحمان زاده
گوینده



محمد صفری
نویسنده



نگار رنجبر
نویسنده



زهرا نصرالهی
نویسنده



رویا دژم
نویسنده



مجتبی تجری
نویسنده



مهلی زارعی
نویسنده



شبهه محمد محمدی دانشجوی مرکز شهید مطهری فارس

راه می انداختند و در دوران جنگی که بود، از این نفت برای پیروزی خودشان استفاده می کردند و یک چیز مختصری هم به ما می دادند؛ زمان طاعوت این جوری بود؛ این نتیجه ی سرمایه گذاری نکردن بر روی منابع انسانی است. خب، این منابع انسانی را شما الان دارید تولید می کنید؛ ببینید اهمیت کار کجا است! شما دارید پرورشش می دهید، شما دارید آن را پردازش می کنید. بنده اهل تعارف نیستم؛ آنچه بنده سالهای متمادی درباره ی نقش معلم و دانشجو معلم و آموزش و پرورش اظهار کرده ام، برخاسته ی از این احساس است؛ برخاسته ی از این باور است که معلم یک چنین نقشی دارد. در واقع، پایه ریز تمدن نوین، شما هستید؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد. شما جهادگرانی در میدان کارزار با جهل و بی سوادی هستید. ببینید! یک جوان را، یک کودک را، یک نوجوان را شما از وادی بی سوادی و ظلمات می آورید به وادی نور و علم، با جهاد؛ کار سختی هم هست. شما در واقع هویت سازی فرهنگی می کنید. هویت سازی خیلی مهم است؛ هویت سازی برای انسانها در یک جامعه خیلی مهم است؛ انسانها باید احساس هویت کنند. هویت انسان به فرهنگ او است، به دانسته های او است، به سبک زندگی او است. تمدن، متکی به فرهنگ است؛ اگر فرهنگ قوی و غنی وجود نداشته باشد، تمدن به معنای مصطلح و رایج خودش به وجود نمی آید. فرهنگ چیست؟ مجموعه ی عناصر سازنده ی فکر و عمل انسان؛ این فرهنگ است. این از کجا ناشی می شود؟ فرهنگ به نوبه ی خود متکی است به فکر، اندیشه و جهان بینی؛ [یعنی] نوع تلقی انسان و مجموعه ی انسانی از جهان و عالم وجود و هستی و آفرینش و مانند اینها؛ این است که پایه ی اصلی فرهنگ است و پایه ی اصلی تمدن است.

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم میشود. لب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه ی حیات را بر اساس مبانی غربی به کودک بیاموزد؛ این آن لب کلام در سند ۲۰۳۰ است.

گزیده سخنان مقام معظم رهبری

همه با هم برای ایران آبادتر

تالش، ایمان، اراده



بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت تعلیم و تربیت

قشر معلم واقعاً یک قشر شریف و محترمی است؛ علت هم این است که برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم تر از همه ی سرمایه ها، سرمایه ی انسانی است؛ یعنی اگر شما پول داشته باشید اما سرمایه ی انسانی درست و حسابی نداشته باشید، به جایی نمی رسید؛ مثل همین کشورهای پول داری که می بینید پولهایشان کجاها خرج میشود، دست چه کسانی میرود؛ جیب های گشاد پُر پولشان به صورت بسیار سفاقت آمیز در اختیار دست های خائن به بشریت قرار میگیرد؛ خب این در نتیجه ی چیست؟

چون پول دارند، انسان ندارند؛ پول دارند، اندیشه ورز ندارند، نیروی انسانی ندارند، سرمایه ی انسانی شان ضعیف است. اگر منابع زیرزمینی فراوانی داشته باشیم، اما نیروی انسانی نداشته باشیم، فایده ای ندارد. کشور ما روی دریای نفت خوابیده بود؛ ولی نه خبر داشتیم، نه بلد بودیم؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که آنهایی که خبر داشتند و بلد بودند، آمدند مسلط شدند به نفت ما. نفت ما را می بردند، تمدن خودشان را می ساختند، کارخانه های خودشان را

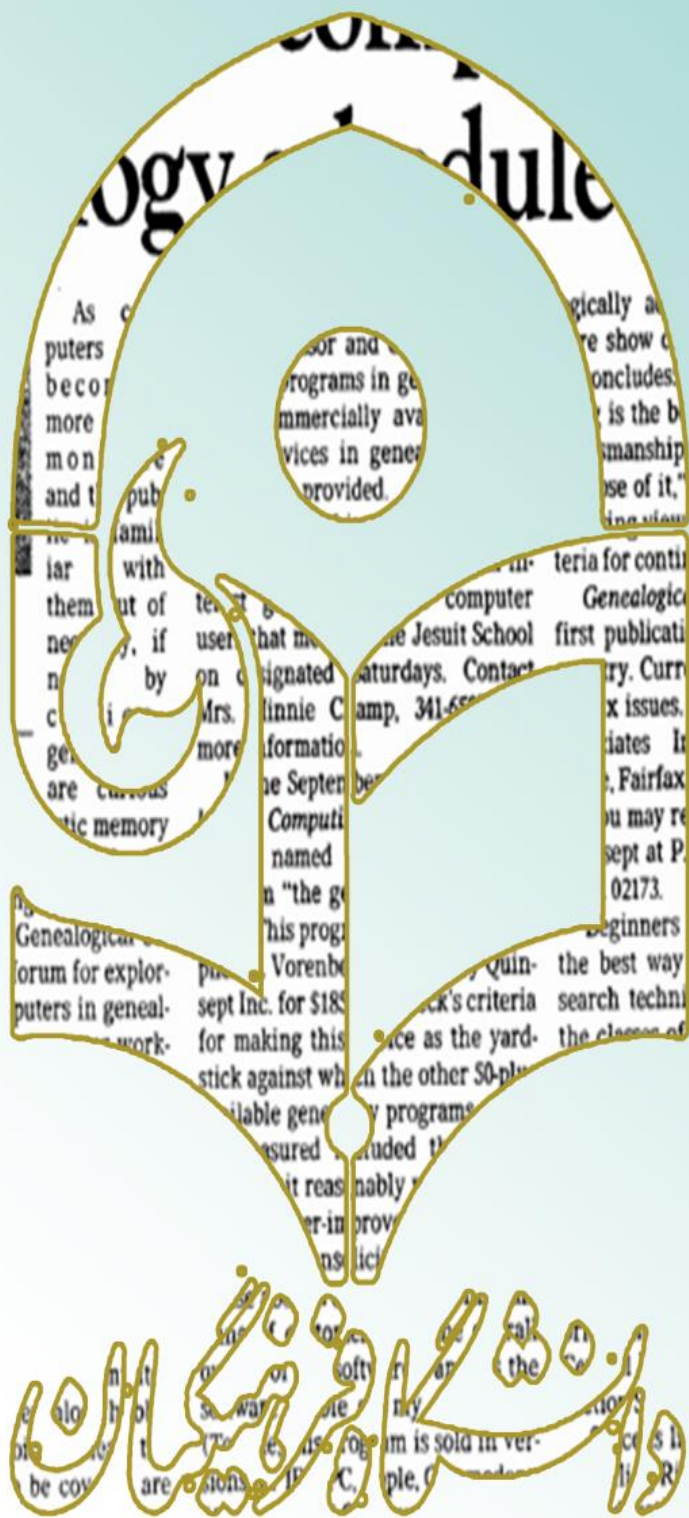


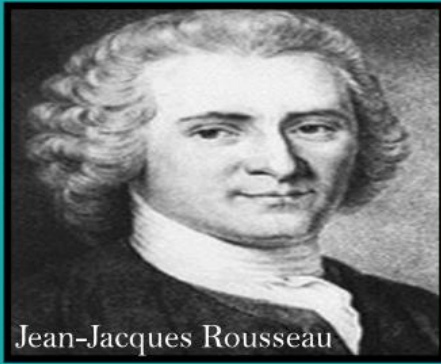
سر آغاز کلام

توانا بود هر کے دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود

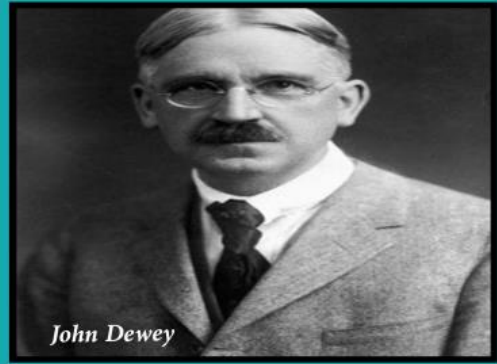
چند وقتی است که لطف حق شامل مجموعه انجمن علمی علوم تربیتی گشته تا بتوانیم اقداماتی در جهت ترقی و پیشرفت علمی و مهارتی دانشجویان استان فارس داشته باشیم؛ از برگزاری کارگاه ها و سمینار های لازم و مطابق با نیاز های ایشان تا برگزاری جشنواره ای که بزودی برگزار می شود و تمامی دانشجویان استان فارس می توانند در آن شرکت داشته باشند. راه اندازی نشریه علمی از آن جهت حائز اهمیت است که مطالب مهم و مورد نیاز شما دانشجویان را برآورده سازد تا به شکل یک منبع در اختیارتان قرار بگیرد. بدیهی است که پیوستن شما به نشریه علمی جوانه علم و نقد و فعالیت شما در نشریه سبب قوت بیشتر نشریه خواهد شد شخصا حضور در نشریه را به شما توصیه می کنم زیرا راه پیشرفت شما را تا حد توان هموار خواهد کرد و بعنوان تجربه ای بر تجربیات شما افزوده خواهد شد امیدوارم از نشریه به عنوان یکی از زیرمجموعه های انجمن همانند همیشه راضی باشید

محسن خلیلی





Jean-Jacques Rousseau



John Dewey



مجموعه مجله علمی مرکز شهید رجایی، زمستان ۱۳۹۹

تاریخچه علوم تربیت

علوم تربیتی (Education) از رشته‌های علوم انسانی است که به جنبه‌های آموزش و پرورش آدمی و دانش‌های مربوط به آن می‌پردازد. درباره مفهوم «آموزش و پرورش» باید در نظر داشت که «آموزش و پرورش» منحصر به افراد، زمان و مکان خاصی نیست. یعنی به‌طور مشخص «آموزش و پرورش» منحصر به مدرسه، دانشگاه یا آموزش دروس خاصی نیست، بلکه «آموزش و پرورش» برای همه، و در هر زمانی و هر مکانی است. آموزش عمومی، آموزش عالی، آموزش کارکنان، سوادآموزی بزرگسالان، خودآموزی، آموزش الکترونیکی و مجازی از انواع آموزش محسوب می‌شوند.

تعاریف آموزش و پرورش

• **جان دیویی:** آموزش و پرورش دوباره ساختن یا سازمان دادن تجربه‌است. به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.

• **ژان ژاک روسو:** آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی)، و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.

علوم تربیتی در ایران

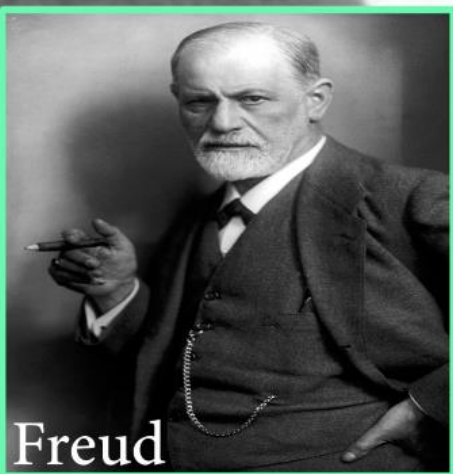
دکتر عیسی صدیق: دکتر عیسی صدیق اعلم، در سال ۱۲۷۳ ش. در تهران متولد شد. پدرش میرزا عبدالله شاملو ملقب به صدیق التجار اصفهانی از نوادگان میرزا مهدی خان استرآبادی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ادب، کمالیه و دارالفنون فرا گرفت. در سال ۱۲۹۰ جزو اولین گروه از دانشجویان اعزامی به خارج در دوره بعد از مشروطیت بود که عازم فرانسه شد. در سال ۱۲۹۷ دوره دانشسرای ورسای را به پایان رساند و از دانشگاه پاریس دانشنامه ریاضیات گرفت. پس از چندی در انگلستان ضمن مطالعه و تدریس در دانشگاه کمبریج به عنوان دستیار پروفیسور ادوارد براون مستشرق و ایران‌شناس معروف و معاشرت با دانشمندان و فلاسفه غربی نظیر برتراند راسل، به تجربیات و آگاهی‌های بیشتری دست یافت. عیسی صدیق در سال ۱۲۹۷ به ایران مراجعت کرد و به سمت بازرس مدارس منصوب شد. چندی نیز رئیس تعلیمات عالی، معلم مدرسه حقوق، دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و نماینده ایران در مجمع بین‌المللی آموزش و پرورش در ژنو بود. در سال ۱۳۰۹ دکتر صدیق بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه و تحقیق به آمریکا رفت و موفق به اخذ درجه دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه مذکور شد. او برای اولین بار واژه دانشگاه را به جای دارالفنون به کار برد. دکتر صدیق در سال ۱۳۱۰ به ایران بازگشت و مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد. ابتدا به سمت ریاست دارالمعلمین عالی انتخاب شد و سپس آن را هسته مرکزی دانشگاه قرار داد. دکتر صدیق چندین سال در سمت وزیر فرهنگ فعالیت نمود. دکتر عیسی صدیق در ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۷ در تهران درگذشت. برخی آثار علمی او عبارت است از: "اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری"، "اصول تعلیم و تربیت"، "اصول علمی علم تربیت"، "روش نوین در تعلیم و تربیت"، "صد مسئله حل شده حساب"، "چهل گفتار مشهودات چهل ساله در فرهنگ"، نه کنفرانس در خصوص تعلیمات عمومی.



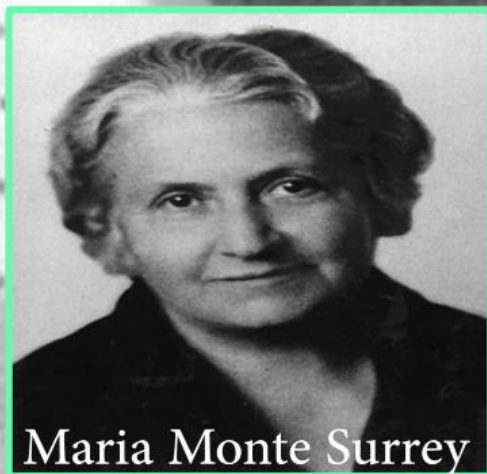
دکتر اسدالله بیژن: دکتر میرزا اسدالله خان بیژن، دکتری خود را در رشته علوم تربیتی از دانشگاه کلمبیای آمریکا دریافت نمود و پس از بازگشت به ایران به عنوان مشاور فنی وزارت فرهنگ و استاد دانشسرای عالی دروس علوم تربیتی را به همراه دکتر هوشیار و دکتر صدیق تدریس می کرد. در دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۹ درسی به نام علم الاجتماع به لحاظ تربیت (علم الاجتماع پرورشی) در دو واحد درسی در هفته توسط دکتر اسدالله بیژن، به صورت ترجمه هایی فشرده از پاره های متون خارجی در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات، تدریس می شد. از مهمترین آثار علمی ایشان "سیر تمدن و تربیت در ایران باستان" و "سیر تکاملی تعلیم و تربیت در ایران باستان" می باشد.

دکتر محمد باقر هوشیار: محمد باقر هوشیار شیرازی در ۱۲ اسفند ماه سال ۱۲۸۳ در خانواده ای دوستدار فرهنگ و ادب در شهر بوانات از توابع شیراز به دنیا آمد. پدرش میرزا محمد هوشیار شعر می گفت و پیشه بازرگانی داشت. محمدباقر در ۱۳ سالگی پدر خود را از دست داد و مادرش سرپرستی او و دیگر اعضای خانواده را به عهده گرفت. محمدباقر هوشیار از همان دوران کودکی با مادر بزرگ و پدر بزرگ خود که زنی فرهیخته و شایسته بوند همدم و همنشین شد و در دامن آنان رشد کرد. محمد باقر پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به مدت دو سال در مدرسه شاعیه شیراز به دبیرستان رفت. وی در سن ۱۷ سالگی از طریق کشور هندوستان (بمبئی و کلکته) برای تحصیلات عالی، به اروپا (آلمان) رفت و مدتی در مدرسه عالی کشاورزی "فردریش اوبره آل شولد فاکلمان" برلن به تحصیل نظری کشاورزی و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۰۸ به ایران بازگشت و در امتحانات دانشجویان اعزامی تهران قبول شد و سه ماه بعد دوباره به همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلین رفت و ابتدا در دانشکده ادبیات برلین و سپس در دانشگاه توپین گن و دانشگاه مونیخ در رشته علوم تربیتی به تحصیل پرداخت او پس از کسب گواهینامه در زمینه روانشناسی نظری، آموزش و پرورش و روانشناسی علمی، از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترای علوم تربیتی شد. ایشان از افراد زیادی مانند شیلر، فندر، هینست، گوته و بیشتر از همه از گئورگ کرشن اشتاینر (Georg Kerschensteiner) تأثیر علمی پذیرفته است. او پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۶ بر اثر عارضه قلبی درگذشت. از آثارش "اصول آموزش و پرورش" و "روانشناسی علمی سنجش هوش" می توان نام برد. او آموزش و پرورش را علم می دانست و برای آن اصول نوشت دکتر هوشیار در بنیان گذاری رشته علوم تربیتی نقش بسیار مهمی ایفا نمود.

رشته علوم تربیتی در ایران در مقطع کارشناسی در پنج گرایش گرایش: تکنولوژی آموزشی، آموزش پیش دبستانی و دبستانی، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته های برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش تطبیقی، برنامه ریزی درسی، تحقیقات آموزشی، آموزش و پرورش استثنایی، روانشناسی تربیتی، آموزش بزرگسالان، مشاوره و راهنمایی، آموزش و بهسازی منابع انسانی، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی عالی، سنجش و اندازه گیری در آموزش و پرورش و در مقطع دکتری در رشته های تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، برنامه ریزی درسی، روانشناسی تربیتی، سنجش آموزش، برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، برنامه ریزی درسی در آموزش عالی، مدیریت آموزش عالی، اقتصاد آموزش عالی، برنامه ریزی آموزش از راه دور ارائه می شود.



Freud



Maria Monte Surrey



معرفی گرایش های کارشناسی ارشد مجموعه علوم تربیت



دانشجوی دکتری مطالعات
برنامه درسی دانشگاه علامه
طباطبائی تهران

برنامه ریزی درسی

معرفی: هدف از ایجاد دوره کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی عبارت است از: تقویت قدرت تفکر انتقادی دانشجویان جهت بررسی و تجزیه و تحلیل برنامه های آموزشی و درسی مدارس کشور و تربیت افرادی که قادر باشند بررسی تطبیقی روی برنامه ها، طرح ها و الگوهای متداول و پیشرفته ای که در سایر کشورها با موفقیت طراحی و اجرا شده را انجام داده و پیشنهادات لازم را در جهت تطبیق این طرح ها و برنامه ها با توجه به خصوصیات آموزشی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افراد جامعه امروز کشور باشند، ارائه دهند.

بازار کار: مشاوره برنامه ریزی درسی برای داوطلبان کنکور و همچنین دانش آموزان و دانشجویان تمام مقاطع از تخصص های این گرایش می باشد که مدارس، دبیرستان ها و آموزشگاه های خصوصی پذیرای این افراد می باشند. علاوه بر آن فارغ التحصیلان این گرایش می توانند جذب آموزش و پرورش و برخی سازمان های دولتی از جمله سازمان های مدیریت و برنامه ریزی و تالیف کتب درسی شوند.

تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

معرفی: فلسفه آموزش و پرورش یکی از دانش های میان رشته ای است که با دو قلمرو فلسفه و آموزش و پرورش در ارتباط است و تحصیل در آن نیز مستلزم اطلاع قبلی از مبانی و مباحث فلسفه از یک سو و دانستن مبانی دانش آموزش و پرورش از سوی دیگر است. در ایران تا آغاز دهه ۱۳۴۰، این رشته دانش مستقلی تلقی نمی شد، ولی از این دوره به بعد، رفته رفته کتاب هایی هر چند متعدد ترجمه و تالیف شد. فلسفه آموزش و پرورش عبارت است از آشنایی با نظریات تربیتی موجود در مکتب های اصلی و بزرگ فلسفی و از سویی دیگر، تربیت انسان را هدف و مقصدی قرار می دهد که جوامع

را بر آن می دارد تا به طراحی و سازمان بخشیدن آموزش و پرورش بآیند. به هر کدام از دو سوی امر بنگریم، فلسفه آموزش و پرورش را باید "حکمت تربیت" بنامیم و مقصود از آن، راه گشایی خردمندانه در عمل تربیتی است.

بازار کار: در حال حاضر فارغ التحصیلان این گرایش در درجه اول جذب آموزش و پرورش می شوند. تعدادی نیز در پژوهشکده های حوزه علوم انسانی فعالیت می کنند.

مدیریت آموزشی

معرفی: هدف این گرایش تربیت نیروی انسانی متعهد و کارداران در زمینه مدیریت آموزشی در سطوح مختلف آموزشی در کشور و برآوردن نیازهای آموزشی وزارتخانه ها، مراکز و مؤسسات آموزشی و دانشگاه ها بر اساس ارزش های اسلامی و اصول مدیریت است. یک مدیر آموزشی باید از ویژگی های مختلفی همانند قدرت برنامه ریزی، روابط انسانی خوب و درک و اجرای اصول صحیح مدیریت آموزشی برخوردار باشد تا بتواند در رابطه با مسائل و مشکلات آموزشی حوزه فعالیت خود، قدرت تشخیص و تصمیم گیری داشته باشد. فارغ التحصیلان این رشته باید از قدرت برنامه ریزی بالا و روابط انسانی خوبی برخوردار باشند تا بتوانند مشکلات آموزشی را به خوبی تشخیص داده و برای حل آن ها راهکارهای مناسب را ارائه دهند. هدف از این گرایش به وجود آوردن فارغ التحصیلان متعهد، برای تمام سطوح مختلف آموزشی می باشد.

معرفی: هدف این گرایش تربیت نیروی انسانی متعهد و کارداران در زمینه مدیریت آموزشی در سطوح مختلف آموزشی در کشور و برآوردن نیازهای آموزشی وزارتخانه ها، مراکز مؤسسات آموزشی و دانشگاه ها بر



پرورش، می‌توانند در هر یک از سازمان‌های دولتی و خصوصی در بخش آموزش منابع انسانی فعالیت کنند

تحقیقات آموزشی

معرفی: فارغ‌التحصیلان این رشته با استفاده از روش تدریس و الگوهای مختلف در ملل گوناگون، بهترین سبک و الگو را در جهت بهبود نظام آموزشی کشور تدوین می‌کنند.

بازار کار: در حال حاضر فارغ‌التحصیلان این گرایش در درجه اول جذب آموزش و پرورش می‌شوند. تعدادی نیز در سازمان‌های دولتی، از جمله سازمان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی و پژوهشکده‌های حوزه علوم انسانی، فعالیت می‌کنند.

تکنولوژی آموزشی

معرفی: این رشته برخلاف تصور عموم مردم، صرفاً در ابزار و وسایل خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دیدی تازه به یادگیری می‌باشد که با استفاده از نظرات و اصول روانشناسانه، بهترین نوع و روش استفاده از وسایل آموزشی را در جهت یادگیری بهتر بازگو می‌کند.

بازار کار: فلسفه اصلی این رشته استفاده از توانایی فارغ‌التحصیلان آن در آموزش و پرورش و سپس صدا و سیما است؛ اما در عمل می‌بینیم که به دلیل تفکر غلط حاکم بر محیط‌های فوق، تکنولوژیست‌های آموزشی به سختی جذب این مراکز می‌شوند. البته برخی از فارغ‌التحصیلان این رشته جذب مدارس غیرانتفاعی شده و با ارائه‌ی طرح‌های آموزشی برای دوره‌ها و درس‌های مختلف، کارایی مدرسه را بسیار ارتقا داده‌اند. عده‌ای از فارغ‌التحصیلان نیز جذب وزارت ارشاد یا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌شوند و بالاخره برخی از

اساس ارزش‌های اسلامی و اصول مدیریت است. یک مدیر آموزشی باید از ویژگی‌های مختلفی همانند قدرت برنامه‌ریزی، روابط انسانی خوب و درک و اجرای اصول صحیح مدیریت آموزشی برخوردار باشد تا بتواند در رابطه با مسائل و مشکلات آموزشی حوزه فعالیت خود، قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری داشته‌باشد. فارغ‌التحصیلان این رشته باید از قدرت برنامه‌ریزی بالا و روابط انسانی خوبی برخوردار باشند تا بتوانند مشکلات آموزشی را به خوبی تشخیص داده و برای حل آن‌ها راهکارهای مناسب را ارائه دهند. هدف از این گرایش به وجود آوردن فارغ‌التحصیلان متعهد، برای تمام سطوح مختلف آموزشی می‌باشد.

آموزش و بهسازی منابع انسانی

معرفی: آموزش و بهسازی (توسعه) منابع انسانی به عنوان یک رشته کاربردی و بین رشته‌ای، معطوف به بهبود و ارتقای عملکرد منابع انسانی سازمان، از طریق فراهم کردن زمینه‌های یادگیری، ارتقای شایستگی‌های محوری و نیز بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی در سازمان در سه سطح فردی، گروهی و سازمانی است. شواهد و تحولات علمی توسعه منابع انسانی نشان‌دهنده‌ی تغییر جهت در رویکرد این رشته به توسعه منابع انسانی با تأکید بر "یادگیری" و "توسعه‌ی استعداد" می‌باشد.

بازار کار: مشاغل زیر به طور مستقیم با این رشته تحصیلی ارتباط دارند و دانش‌آموختگان در صورت فعالیت در این شغل، بیشترین ارتباط را بین رشته تحصیلی و شغل خود برقرار خواهند کرد: کارشناس، مدیر منابع انسانی، استاد دانشگاه، پژوهشگر. علاوه بر این، مشاغل زیر ظرفیت جذب افراد مختلف از تخصص‌های گوناگون را دارا می‌باشند؛ در این مشاغل، هر فرد علاوه بر تسلط بر مهارت‌های مربوط به آن شغل، لازم است به فراخور صنعت و نوع کسب و کاری که در آن مشغول به کار است، دارای دانش تخصصی مربوطه نیز باشد: مدیر امور اداری، کارشناس، مدیر آموزش، کارشناس بیمه، مدیر روابط عمومی، مدیر انتشارات.

آموزش بزرگسالان

معرفی: همانطور که از نام این رشته پیداست، ضرورت داشتن علم و دانش را در زندگی انسان مشخص می‌کند. به طوری که تمامی افراد بازمانده از تحصیل، کارمندان سازمان‌های مختلف و یا علاقه‌مندان به تحصیل بتوانند یادگیری را ادامه دهند و یا بنیان‌گذار جامعه‌ای در حال یادگیری باشند.

بازار کار: فارغ‌التحصیلان این رشته، علاوه بر آموزش و

School
Management
Education & Learning system





فارغ التحصیلان با توجه به توانایی هایی که در طی تحصیل کسب کرده اند، جذب بازار کار آزاد می شوند و به عکاسی آموزشی یا تولید فیلم های آموزشی می پردازند.

مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی

معرفی: مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی علاوه بر ایجاد دانش، به نحوه ی استفاده از آن دانش و اطلاعات نیز اهمیت بسیاری می دهد. استفاده از تکنولوژی جدید و پیشرفته برای انتقال دانش از جمله کارایی های این رشته می باشد. برای مثال؛ دانشگاه مجازی یکی از دستاوردهای این رشته می باشد.

بازار کار: در حال حاضر فارغ التحصیلان این گرایش در درجه اول جذب دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می شوند. تعدادی نیز در سازمان های دولتی، از جمله سازمان های مدیریت و برنامه ریزی و وزارتخانه ها فعالیت می کنند.

آموزش و پرورش ابتدایی

معرفی: هدف از رشته آموزش و پرورش دبستان تربیت معلمان خبره در روش های تدریس، راهنمایان آموزشی، کارشناسان دفتر آموزش ابتدایی، مدرسان مراکز تربیت معلم، آموزش ضمن خدمت و مدیران مراکز آموزشی است.

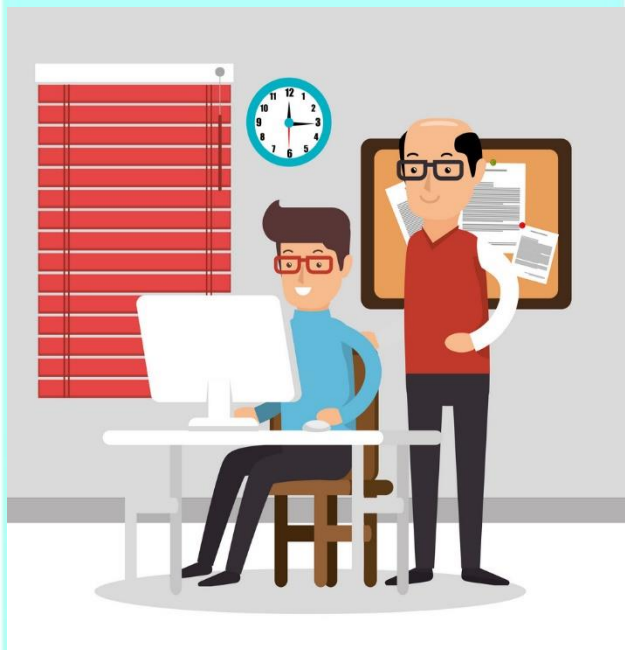
بازار کار: مشاغل زیر به طور مستقیم با این رشته تحصیلی ارتباط دارند و دانش آموختگان در صورت فعالیت در این شغل، بیشترین ارتباط را بین رشته تحصیلی و شغل خود برقرار خواهند کرد:

استاد دانشگاه، پژوهشگر، کارشناس، مدیر آموزش، مدیر مهد کودک، مربی مهد کودک، معلم.

آموزش و پرورش پیش دبستانی

معرفی: هدف از رشته کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش دبستانی تربیت افرادی است که با تخصص خود قادر باشند نگاه علمی به مقوله ی آموزش و پرورش پیش دبستانی را توسعه بخشیده و کودکانی را که در بدو ورود به نظام آموزشی کشور هستند، به درستی هدایت نماید. قلمرو این موضوع محدود به دوره پیش دبستانی نیست؛ بلکه ناشرین و نویسندگان کتاب های کودکان را نیز در بر می گیرد.

بازار کار: مشاغل زیر به طور مستقیم به این رشته تحصیلی ارتباط دارند و دانش آموختگان در صورت فعالیت در این شغل بیشترین ارتباط را بین رشته تحصیلی و شغل خود برقرار خواهند کرد: استاد دانشگاه، پژوهشگر، کارشناس، مدیر آموزش، مدیر مهد کودک، مربی مهد کودک، معلم.





کرمانشاه مجله پژوهش‌های علمی مرکز استان فارس، فارس

ارزیابی نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان

به منظور پیشگیری از آسیب‌های زندگی دانشجویان
(مطالعه موردی: دانشگاه‌های فرهنگیان استان فارس)

دیگر آثار دکتر عباس اناری نژاد

۱- عملکرد آموزش های کوتاه

مدت ضمن خدمت فرهنگیان /

انتشارات گنجینه / ۱۳۷۸، شیراز

۲- ارزشیابی آموزش الکترونیکی /

انتشارات پژوهش های دانشگاه /

۱۳۹۴، تبریز

۳- سلامت، بهداشت و صیانت از

محیط / انتشارات شیوا رسا /

۱۳۹۶، شیراز

۴- اخلاق حرفه ای معلم (با تاکید

بر حقوق و تکالیف اسلامی) /

انتشارات شیوا رسا / ۱۳۹۵، شیراز

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان به منظور پیشگیری از آسیب‌های زندگی دانشجویی انجام پذیرفت. بر اساس نتایج به دست آمده، اولویت نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: نیازهای خانوادگی و ازدواج، رشد و ارتقای فردی، نیازهای شغلی، نیازهای آموزشی، و نیازهای عاطفی-روانی. بعلاوه، میانگین نیازهای مشاوره‌ای دانشجویان مجرد در همه زمینه‌ها بالاتر از دانشجویان متاهل بود و بالاخره بین نیازهای مشاوره‌ای دانشجویان دختر و پسر فقط در حیطه نیازهای آموزشی تفاوت معنی داری مشاهده گردید. توصیه می‌شود با انجام نیازسنجی مداوم، نیازهای واقعی مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان شناسایی و در آن راستا برنامه ریزی صورت گیرد و با استفاده از مشاورین مجرب و کارآموده برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان طراحی و اجرا گردد. بیشتر افراد در مواجهه با تغییرات زندگی- مثبت یا منفی- دچار فشار روانی می‌شوند و یا هیجان‌هایی را تجربه می‌کنند. بدیهی است ورود به دانشگاه به عنوان تجربه‌ای نو در کنار مسائلی از قبیل شرایط تحصیلی جدید، روابط بین فردی متفاوت از قبل، محیط زندگی جدید و ناآشنا، ترک خانواده و غیره سازگاری دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (ربیعی و همکاران، ۱۳۸۶). دانشجویان پس از ورود به دانشگاه و رویدادهای بعدی زندگی در دانشگاه در دوران تحصیل خود با مشکلات تحصیلی، رشدی، رفتاری، عاطفی، خانوادگی، اجتماعی و شغلی زیادی روبرو می‌شوند. بخصوص کسانی که تازه به آموزش عالی راه می‌یابند و از شهرها و روستاهای مختلف کشور وارد فضای فرهنگی گسترده و ویژه‌ای به نام دانشگاه می‌شوند و با مسائل جدیدی چون منزلت اجتماعی دانشجویان و استاد، رشد و بلوغ جسمی و اجتماعی، وجود دانشجویان دیگر با رشته‌های تحصیلی متفاوت و احتمالاً با تفاوت‌هایی در منزلت اجتماعی، استقلال و دوری از خانواده، زندگی در خوابگاه دانشجویی، محدودیت‌های دانشگاه، اندیشه‌های جوان و احتمالاً بلند پروازانه روبرو می‌شوند (شمس و همکاران، ۱۳۸۵).

دوران تحصیل دانشگاهی برای بسیاری از دانشجویان ممکن است همراه با آسیب‌های جدی باشد. افسردگی، اضطراب، استرس‌های شدید، تغییر در سبک زندگی، مشکلات شغلی، احساس بدرفتاری از سوی دست‌اندرکاران آموزشی و اجرایی دانشگاه از جمله عواملی هستند که می‌توانند در بروز آسیب‌های روانشناختی دخیل بوده و به تبع آن، موجب آفت عملکرد تحصیلی دانشجویان بشوند. بنابراین، ضرورت دارد پس از شناخت این عوامل و قبل از مزمن شدن و بروز آثار مخرب آنها از راه‌های مختلف، مانند مشاوره، در جهت کاهش اثر منفی آنها اقدام شود (شمس، فرشیدفر، حسن زاده، ۱۳۷۹). بدون

تردید چنانچه بطور مناسب در جهت پیشگیری و درمان مسائل دانشجویان دارای مشکلات روانشناختی اقدام جدی به عمل نیاید، عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت (شفیع آبادی، ۱۳۷۴). یافته‌های حاصل از مقایسه نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان دختر و پسر در حیطه رشد و ارتقای فردی نشان می‌دهد که نیازهای مشاوره‌ای دانشجویان دختر در زمینه روش افزایش تمرکز حواس بطور معناداری بیشتر از دانشجویان پسر می‌باشد. در این حیطه بالاترین اولویت نیازهای مشاوره‌ای دانشجومعلم‌ان به ترتیب شامل: روش انتقادپذیری، روش افزایش تمرکز حواس، و روش مقابله با افکار مزاحم می‌باشد. از سوی دیگر، دانشجویان دختر بالاترین اولویت نیازهای مشاوره‌ای خود را در این حوزه به ترتیب شامل: روش افزایش تمرکز حواس، روش مقابله با افکار مزاحم و روش تفکر خلاق و دانشجویان پسر به ترتیب شامل: روش تفکر خلاق، روش مقابله با افکار مزاحم و روش افزایش تمرکز حواس اعلام کردند.

همانطور که ملاحظه می‌گردد بر اساس نتایج به دست آمده؛ بیش‌ترین نیاز دانشجومعلم‌ان مربوط به حیطه نیازهای خانوادگی و ازدواج است.



ادامه مقاله....

مقالات دکتر عباس اناری نژاد

۱- تربیت اجتماعی از
منظر نهج البلاغه /
۱۳۸۶ / ایران

۲- آموزش و شهروندی
جهانی / ۲۰۱۳ / آمریکا

۳- بررسی میزان
اثربخشی نظام آموزش
و پرورش در تربیت
سیاسی و اجتماعی
دانش آموزان از دید
دانشجویان دانشگاه
فرهنگیان / ۱۳۹۶ /
ایران

و بیش از پانزده مقاله
دیگر.....

دومین اولویت نیازهای مشاوره ای دانشجویان، نیاز به رشد و ارتقای فردی بود. در این حیطه روش انتقادپذیری، روش افزایش تمرکز حواس، و روش مقابله با افکار مزاحم از اولویت بالاتری برخوردار بودند. دانشجویان سومین اولویت نیازهای مشاوره ای را نیازهای شغلی اعلام نموده اند که در این زمینه روش کارآفرینی، روش کاربایی در جامعه، و آشنایی با فرصت های شغلی از اهمیت بیش تری برخوردار بوده اند. در این مطالعه نیازهای آموزشی در اولویت چهارم نیازهای آموزشی دانشجویان قرار داشتند. و بالاخره نیازهای عاطفی-روانی از منظر دانشجویان مورد بررسی کم ترین اولویت را داشت. در این زمینه روش شاد زندگی کردن، روش مقابله با خشم و پرخاشگری، و روش مقابله با استرس در زندگی در بین نیازهای عاطفی-روانی دانشجویان دارای بیشترین اولویت بودند.

بعلاوه، انتخاب افراد شایسته و آموزش دیده به عنوان سرپرستان شبانه روزی، برگزاری جلسات مستمر پرسش و پاسخ بین دانشجویان و مسئولین شبانه روزی، استفاده از مشاوران مجرب در مراکز مشاوره و حضور مستمر آنها در خوابگاه های دانشجویی، برگزاری برنامه های ورزشی-تفریحی و ... از جمله پیشنهادهایی است که می تواند هم به شناسایی نیازهای طور ادواری می تواند با کشف نیازهای واقعی دانشجویان در طراحی مناسب و کاربردی برنامه های مشاوره نقش مهمی ایفا کند. بنابراین نظرخواهی مستمر از دانشجویان درباره کیفیت خدمات مشاوره ای و نیازسنجی ادواری به عنوان یک راهکار اساسی جهت پیشگیری از آسیب ها و حل مشکلات دانشجویان باید مورد توجه جدی مسئولین دانشگاه فرهنگیان قرار گیرد.

طرح های پژوهش دکتر اناری نژاد

- ۱- ارزیابی درونی بخش قدرت و کنترل دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه شیراز
- ۲- ارزیابی درونی گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری
- ۳- ارزیابی درونی بخش مهندسی هسته ای دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز
- ۴- ارزیابی درونی بخش علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز
- ۵- بررسی وضعیت هوش هیجانی، خلاقیت، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان فارس

مصاحبه با دانشجو یان برتر



محمد جواد دژکوهی

دانشجوی رشته آموزش ریاضه

دانشگاه فرهنگیان فارس

تلاش + ایمان = موفقیت

خودتان را به طور کامل معرفی کنید.

محمدجواد دژکوهی هستم، دانشجوی رشته آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان استان فارس. محل خدمتم شهرستان کهکیلویه و بویر احمد، شهر دهدشت هست. متولد سال ۱۳۷۷ در شهر بهبهان و ورودی سال ۹۶ دانشگاه هستم.

۲. فعالیت شما در چه زمینه‌ای است؟

در زمینه‌ی مقاله‌نویسی و پژوهشی فعالیت می‌کنم و به این امر علاقه‌ی وافری دارم.

۳. چرا پژوهش را انتخاب کردید و به سراغ مقاله‌نویسی رفتید؟ در دی ماه ۱۳۹۶ یعنی اواخر ترم اول، به خاطر یکی از ارائه‌هایم به ناچار مقاله‌ای را خواندم و از آنجا علاقه‌ی من به پژوهش دوچندان شد. پس از آن به دلیل باری که بر دوش خودم حس کردم و همین‌طور علاقه‌ای که داشتم، بطور جدی این امر را دنبال کردم.

۴. تا چه میزان به اهداف خود رسیده‌اید؟

هنوز به اهداف عالی نرسیده‌ام ولی از پیشرفتم در این مسیر خیلی راضی هستم. ان‌شاءالله که ادامه‌دار باشد.

۵. چه کسانی در این امر در پیشرفت شما نقش داشتند؟

از موثرترین افراد آقای دکتر عباس اناری‌نژاد - ریاست محترم پردیس شهید رجایی - بوده‌اند که در این مسیر همواره به من کمک کردند و تجربه‌هایشان را از من دریغ نکردند.

۶. چه چیزی مانع از پیشرفت شما می‌شود؟

تاکنون چیزی مانع پیشرفت من نشده‌است و ان‌شاءالله از این به بعد هم نخواهد شد. در عین حال در مسیر رسیدن به قله، قاعدتاً سختی‌ها و ناملایمات‌های زیادی وجود دارد که کاملاً عادی است.

۷. در حال حاضر از خود احساس رضایت دارید؟

خداوند را شاکرم که در این سن از خود رضایت لازم را دارم، اما این رضایت کافی نیست و سعی بر افزایش آن دارم.

۸. برای آینده چه اهدافی دارید؟ ان‌شاءالله خدمت به جامعه شریف فرهنگیان و بازگشت به دانشگاه فرهنگیان به عنوان

خادم این مجموعه و این بار در سمت استادی.
۹. به عملکرد خود از ۱ تا ۲۰ چه نمره‌ای می‌دهید؟

نمره‌ی ۱۸

۱۰. اگر موضوعی باقی مانده که راجع به آن صحبت نشده بفرمایید. من خودم در ۶ ترمی که در مجموعه‌ی دانشگاه فرهنگیان بودم تمام مشکلات آن را لمس کردم، اما هیچ وقت دست از فعالیت نکشیدم. در این ۶ ترم در حوزه‌های زیادی در این مجموعه فعالیت داشتم از جمله آموزش، فرهنگی، پژوهش، بسیج دانشجویی، شورای صنفی و... به همین دلیل لذت کافی از این چند ترم را برده‌ام و از تمامی دانشجویان و همکاران جوان خواهشمندم که برای شادابی و طراوت جو این مجموعه، از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

۱۱. دو کتاب برای دوستان دانشجوی خود معرفی کنید. کتاب "سلام بر ابراهیم" و همین‌طور کتاب "دختران آفتاب" برای خواهران. ۱۲. سخن پایانی شما را می‌شنویم. در پایان تقدیر و تشکر میکنم از مجموعه‌ی نشریه‌ی جوانه‌ی علم بخاطر وقتی که در اختیار بنده قرار دادید و توفیق روزافزون و موفقیت شما را از خداوند منان خواستارم.

افتخارات

۱) رتبه سوم مسابقات فرهنگی اجتماعی کشور در رشته تلخیص کتاب

۲) رتبه اول مسابقات فرهنگی اجتماعی استان فارس در رشته تلخیص کتاب

۳) رتبه برتر بخش تحلیل کتاب درسی پنجمین همایش سراسری علمی-پژوهشی از نگاه معلم



دکتر غلامرضا یادگارزاده



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
گروه مطالعات برنامه درسی



نشست علمی دانش معلمان و تغییر برنامه درسی

دبیر نشست:

دکتر محبوبه خسروی (استادیار گروه برنامه درسی)

زمان: سه شنبه دهم اردیبهشت ۹۸ ساعت ۱۴ الی ۱۷
مکان: آمفی تئاتر دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

با حضور اساتید برنامه درسی

پنل دوم

پنل اول

دکتر مصطفی قادری (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)
تحولات چهار دهه اخیر دانش معلمان
دکتر نعمت ا... موسی پور (دانشیار دانشگاه فرهنگیان)
معلمان واسطه استاد آسمانی و آموزش زمینی در جمهوری اسلامی
دکتر سید محمد رضا امام جمعه (دانشیار دانشگاه شهید رجایی)
کم توجهی به دانش محتوا (موضوعی) به مثابه دانشی تخصصی
در برنامه های درسی تربیت معلم
دکتر حسین چهار باشلو (پژوهشگر و مدرس دانشگاه)
چشم اندازهای پژوهش در حوزه دانش معلمان

دکتر حسن ملکی (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)
تغییر در اندیشه قرآن و دلالت هایی بر برنامه درسی
دکتر کورش فتحي (استاد دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر غلامرضا یادگارزاده (استادیار دانشگاه علامه طباطبائی)
نقش اعضای هیات علمی در بازنگری برنامه درسی
دکتر علی موسوی (مدیر کل دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه فنی حرفه ای)
ارائه مدل برنامه درسی مهارت محور بستری برای تغییر برنامه درسی
دکتر محمد حسین حسینی (عضو پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش)
تغییر برنامه درسی و ضرورت گذار پارادایمی

فایل های صوتی نشست علمای فوق به صورت بارکد برای شما عزیزان در همین صفحه گذاشته شده است که با اسکن کردن آن می توانید از آن بهره مند شوید.



دکتر حسین چهار باشلو



دکتر سید محمد حسین امام جمعه





پرتو نیما، دانش آموز دبیرستان شهید رجایی فارس



پرتو نرگس، دانش آموز مرکز استان فارس



جدی گرفتن سرمایه انسانی برابر است توسعه یک تمدن

در آموزش رسمی، معلمان باید دارای مدرک تحصیلی باشند؛ یعنی ضوابط خاص و از پیش تعیین شده‌ای برای معلمان این دوره‌ها مشخص شده‌است، در حالی که در آموزش غیر رسمی، لزوماً معلمان دارای مدرک ثابت و مشخصی نیستند. آموزش‌های رسمی، بیشتر جنبه نظری دارند در حالی که آموزش‌های غیررسمی، بیشتر کوتاه‌مدت و مهارت‌محورند. آموزش‌های غیررسمی سعی دارند کارآموزی و مهارت‌های عملی را در افراد ایجاد نمایند. در هر جامعه به نسبت تعداد و تنوع محیط‌ها، باید روش‌های تربیتی هم، همپای آن متفاوت باشد. تعلیم و تربیت یک فرآیند محدود به مدرسه و در مقیاس وسیع‌تر، وزارت آموزش و پرورش نیست و نهادهای مختلف مرتبط و غیرمرتبط با فرهنگ نیز در آن سهم و دخالت دارند، هر چند خود به این امر واقف نباشند. ضمن اینکه همه‌ی امر تعلیم و تربیت نیر بر عهده‌ی دولت و حاکمیت نیست؛ خانواده، نهادهای دینی (از جمله حوزه‌های علمیه و مساجد) و تشکلهای دانش‌آموزی و مردمی و غیره نیز در این رابطه می‌توانند نقش داشته‌باشند و باید در کنار هم پازل تعلیم و تربیت را تکمیل نمایند. آموزش و پرورش نباید رو در روی تربیت غیررسمی بایستد و به زبان دیگری آن را انحرافی و غیرمفید بداند؛ بلکه باید بخشی از تربیت غیررسمی را به ساز و کار تربیت رسمی اضافه کند و از طریق سازماندهی منسجم و ایجاد اتحاد بین این دو تربیت، در برابر ساز و کارهای خارجی، که از حیطة مدیریت ما خارج است، ایستادگی کند. این که بین تربیت رسمی و غیررسمی جدایی و اختلاف باشد، برای کشور مانند یک زهر، خطرناک است؛ زیرا تعلیم و تربیت و فرایند تعلیم، محدود به مدرسه و آموزش و پرورش نمی‌باشد؛ بلکه نهادهای دینی، اجتماعی و خانواده به کمک هم این پازل تربیت را کامل می‌کنند. بیشتر اوقات دانش‌آموزان و دانشجویان در خارج از مدرسه و دانشگاه گذرانده می‌شود. در این اوقات، هریک از آنها با توجه به امکانات، علاقه‌ها و استعدادهایشان، می‌توانند به طور آزاد، مهارت‌ها و اطلاعات متعددی را به طور غیررسمی کسب کنند که بر پیشرفت تحصیلی و عملکردشان در مدرسه و دانشگاه، تأثیر بسزایی داشته‌باشد. حال که با مفهوم تعلیم و تربیت و انواع آن و نسبت تربیت رسمی و عمومی آشنا شدیم، به یکی از این عوامل می‌پردازیم:



نگاه علمای به عوامل موثر بر تعلیم و تربیت

هرگاه که اسم از تعلیم و تربیت بین دانشجومعلمان به میان می‌آید، ناگاه فکر همه به سوی آموزش و پرورش می‌رود که البته تأثیرگذارترین نهاد بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و افراد هرملت است. نهادهای مختلفی بر تعلیم و تربیت اثرگذارند که در ادامه تنها به دو مورد می‌پردازیم. قبل از بحث پیرامون دو عامل مورد نظر باید با تعلیم و تربیت آشنا شد؛ تعلیم و تربیت، فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و براساس برنامه‌ای سنجیده‌شده است. تفاوت تعلیم و تربیت غیررسمی با رسمی این چنین است که: آموزش‌های رسمی، آموزش‌هایی هستند که دارای ساختار، هدف، برنامه‌ریزی، روش‌های تدریس و ضوابط پذیرش می‌باشند و فرق آموزش غیررسمی با آموزش رسمی، در این است که آموزش رسمی در داخل نظام آموزش و پرورش رسمی کشور صورت می‌پذیرد. ضوابط پذیرش در آموزش رسمی، بسیار محکم و غیرقابل تغییر می‌باشد، ولی ضوابط پذیرش در



پیشرفت تکنولوژی برابر است با پیچیده تر شدن عوامل موثر بر آموزش

در گذشته‌های نه چندان دور، مهم‌ترین عوامل تربیت، مدرسه یا خانواده یا جمع دوستان یا آشنایان برای هر شخص محسوب می‌شد، اما با پیشرفت علم و گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی مجموعه عوامل دیگری هم در تعلیم و تربیت وارد شدند که به عنوان مثال می‌توان به فضای مجازی و پیام‌رسان‌های ارتباطی اشاره کرد.

اولین مورد همان فضای مجازی است که به معنای فضای بدون مرزی است که روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین‌سان فناوری‌های نوین اطلاعات اقصی نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی ساخته‌شده از ابزارها، به یکدیگر پیوند داده و ارتباطات رایانه‌ای، مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده‌است.

فضای آزاد اینترنتی، محل حضور میلیون‌ها کنش‌گر اینترنتی است که می‌توانند با تفسیرهای نمادین در اینترنت، به موارد زیر بپردازند:

۱. به کنش فردی و جمعی متقابل بپردازند.
۲. در اجتماعات مجازی حضور سایبری داشته باشند.
۳. گروه مجازی تشکیل بدهند.
۴. با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند، به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون بپردازند.
۵. از اطلاعات و اخبار موجود در سایت‌های اینترنتی به صورت گزینشی و بدون داشتن محدودیت‌های رسانه‌های دیگر، که بر خلاف اینترنت عمدتاً یک‌سویه‌اند، استفاده کنند.

حال این فضای آزاد دارای مشکلات و مصائبی است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی: مهم‌ترین محصولات فرهنگی اعم از فیلم، عکس، متن، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی را گاه غرب و گاه شرق تولید و سپس در فضای مجازی تبلیغ و توزیع می‌کنند؛ بدین‌سان، یکی از خطرهای ناشی از فضای سایبری متوجه کشورهایی است که فرهنگ‌های متضاد با فرهنگ حاکم بر فضای سایبری دارند.

بررسی نتایج پژوهش‌های روانشناسان دانشگاه تورنتو نشان می‌دهد کودکان بیشتر بعدازظهرها و نوجوانان و جوانان ساعت‌های پایانی شب را برای مراجعه به اینترنت انتخاب می‌کنند. همچنین هرچه اشتیاق بازدید از سایت‌های غیراخلاقی بیشتر باشد، زمان استفاده از اینترنت به سمت ساعت‌های پس از نیمه‌شب گرایش می‌یابد. تضعیف باورهای دینی و القای شبهات فکری: از جمله چالش‌های شبکه‌های اجتماعی، تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی افراد است. گروه‌های مغرض با اهداف از پیش تعیین‌شده و با شیوه‌های مخصوص، اقدام به تزلزل باورهای کاربران سست‌عقیده و کم‌اطلاع می‌نمایند؛ همچنان که هم‌اکنون شبکه‌های اجتماعی، یکی از ابزارهای مورد استفاده برای تبلیغ بهائیت و عرفان‌های کاذب است؛ البته بهترین شیوه تنها انفعالی برخورد کردن و اکتفا نمودن به پاسخگویی به شبهات نیست؛ بلکه این حضور باید همراه با تهاجم نیز باشد؛ به این معنا که عقاید و باورهای فرهنگ مهاجم را نیز با سؤالاتی که در مورد عقاید و نگرش‌هایشان وجود دارد، مورد هدف قرارداد و هیبت ظاهری آنان را شکست.

تعارض ارزش‌ها: تغییرات فناوری، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده‌است. یکی از چالش‌های فناوری فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است؛ چون ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده‌است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی ارزش‌های اسلامی و ایرانی است، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی به همراه داشته باشد؛ به عنوان مثال ورود اینترنت در خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود؛ همچنان که در یک مطالعه تجربی نشان داده‌شد، استفاده جوانان از اینترنت موجب زیر پا گذاشتن ارزش‌های خانواده شده‌است. همه این آسیب‌هایی که گفته‌شد دقیق و تمام و کمال همان چیزهایی است که ما در تعلیم و تربیت رسمی به دنبال حذف آن هستیم. حال آنکه در این موارد فضای مجازی بدون هیچ کنترلی پیش می‌رود که باعث نقص در تعلیم و تربیت می‌شود و چیزی که شاهد آن هستیم کاملاً بیانگر این موضوع است که با این همه هزینه، که برای تعلیم و تربیت و فرهنگ و بخصوص خانواده می‌شود، فضای مجازی آزاد (به تعبیری که هرکس به همه چیز دسترسی داشته باشد) تمام تلاش‌ها را ضایع می‌کند. اگر ما می‌خواهیم این تأثیر که مغلّ تعلیم و تربیت است کاهش پیدا کند، باید راه‌حل آن را در طرح ملی اطلاعات جستجو کرد. البته که همه باید به اطلاعات مفید و صحیح دست پیدا کنند. مورد بعد که تأثیرگذار بر تعلیم و تربیت است، حاکمیت و دولت هر کشور است. در هر کشور، آموزش و پرورش و بطور کلی تعلیم و تربیت بر عهده حکومت یا دولت آن کشور است که طبق قوانین و دستورالعمل‌هایی که حکومت آن کشور مشخص می‌کند، تعلیم و تربیت در آن کشور اتفاق بیفتد.



مختصات و نحوه ترکیب عناصر درونی آموزش و پرورش مثل تمرکز یا عدم تمرکز، نوع و میزان امکانات و نحوه توزیع آن‌ها، مدیریت یک‌طرفه و پدرانیه یا دو طرفه و مشارکت جوانه، وضعیت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان و معلمان، محتوای برنامه‌های آموزشی و روش‌های تدریس به عنوان عواملی مطرح اند که بر نوع و کم و کیف عملکرد آموزش و پرورش در جامعه مؤثرند و معمولاً نظام‌های آموزشی به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها برای تحقق اهداف خود مطرح‌اند؛ که البته برای بروزشدن و توانمندشدن و رسیدن به آرمان‌ها سندی تحت عنوان "سند تحول بنیادین" تهیه شده‌است، اما متأسفانه هنوز بطور کامل و صحیح اجرایی نشده‌است.

۲. اهرم مالی و بودجه: دولت‌ها با در دست داشتن قدرت مالی برتر و توزیع بودجه براساس تعیین اولویت‌ها، می‌توانند بر بخش‌های مختلف نهاد آموزش و پرورش تأثیر بگذارند. صورت مطلوب این توزیع بودجه آن است که با تخصیص عادلانه، زمینه عدالت اجتماعی را در نهاد آموزش و پرورش فراهم آورد؛ به طوری که نیروهای مستعد از مناطق مختلف، به ویژه مناطق محروم، بتوانند از تخصص‌های علمی برخوردار شوند. از سوی دیگر، میزان بودجه نهاد آموزش و پرورش در مقایسه با بودجه در بخش‌های دیگر دولت، نشان از اهتمام دولت نسبت به تعالی این نهاد است؛ بطوری که به گفته یکی از وزرای سابق آموزش و پرورش بیش از ۹۰ درصد بودجه آموزش، صرف حقوق کارکنان می‌شود. حال باید پرسید آیا با این وضع می‌توان به فکر کیفیت‌بخشی به نظام آموزش و پرورش شد یا خیر؟

۳. اهرم نیروی انسانی: حکومت‌ها می‌توانند با نظارت و اعمال ضابطه در کم و کیف نیروهای انسانی شاغل در نهاد آموزش و پرورش، به تحقق اهداف خویش کمک کنند. امروزه در بافت کشورهای جهان سوم، ملاک گزینش مدیران و اساتید و معلمان طبق یک سیستم گزینشی کیفی نمی‌باشد و این امر باعث افت تحصیلی و رکود بررسی‌های پژوهشی می‌شود که البته آموزش و پرورش در حال حاضر دچار بحران معلم شده‌است و متأسفانه بجای تقویت دانشگاه فرهنگیان برای تربیت هرچه بیشتر نیرو، به فکر خصوصی‌سازی ذیل طرح خرید خدمات آموزشی شده که متأسفانه طرحی خلاف قوانین بالادستی است.

۴. اهرم تعیین محتوای آموزشی: محتوای آموزشی برای تأمین اهدافی در هر حکومت طراحی می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. تأمین نیازهای اجتماعی: حکومت بر اساس این‌که چه سیاستی را دنبال می‌کند، می‌تواند در محتوای آموزشی و کم و کیف دروس دخالت کند. حکومت‌ها می‌توانند براساس نیازهای منطقه‌ای و جنسیت افراد، محتوای کتب درسی را تغییر دهند، ضرورتی ندارد که مواد آموزشی در مناطق روستایی با مناطق شهری در همه جهات یکسان باشد و نیز می‌توان در بعضی مقاطع تحصیلی محتوای کتب درسی دختران را از پسران جدا کرد.

ب. تأمین امنیت و نظم اجتماعی: حکومت به واسطه آموزش و پرورش، مردم را از احکام و قوانین اجتماعی و حقوقی آگاه می‌کند و بدین‌وسیله به نظم و امنیت اجتماعی که مطلوب هر حکومتی است

بحث از رابطه نهاد حکومت و آموزش و پرورش، در حقیقت به صورت تأثیرگذاری هریک بر دیگری مطرح است. نهاد آموزش و پرورش به معنی معاهد علمی است که در رشد تحصیلی افراد به صورت کلاسیک در جامعه مؤثرند؛ اعم از آموزش و پرورش دوران ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم، آموزش عالی و آموزش در حوزه‌ها. نهاد حکومت به معنی هیئت حاکمه بر روابط حقیقی افراد جامعه است؛ بنابراین شامل سیاست‌های مجموعه قوه مجریه و دستگاه‌های ذی‌ربط و نیز قوه مقننه و سایر مراکز قدرت در این نهاد می‌باشد.

تأثیر حکومت بر آموزش و پرورش: اگر هر نوع تغییر در رفتار و اندیشه انسان را به صورت کلاسیک، یادگیری بنامیم و آموزش عبارت باشد از فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد یادگیری از جانب معلم به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد، بخش قابل توجهی از ابزار تحقق این‌گونه یادگیری و آموزش نزد حکومت است. حکومت‌ها بر شیوه‌ی آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارند و می‌خواهند از این طریق اراده خویش را بر نهاد فوق تحمیل کنند، اعم از آن‌که، در واقع این اراده به مصلحت جامعه باشد یا به ضرر آن. به طور کلی حکومت‌ها می‌توانند برای تأثیرگذاری بر نهاد آموزش و پرورش از چند اهرم استفاده کنند.

۱. اهرم قانون‌گذاری: حکومت از طریق مصوبات قانونی توسط مجلس و دولت می‌تواند هر نوع اعمال ضابطه‌ای را که به نفع افراد تحت تعلیم است، اعمال کند. یکی از این اعمال ضابطه تعیین نظام آموزش و پرورش است که در زیر به آن می‌پردازیم.

تعیین نظام آموزش و پرورش
حکومت‌ها با توجه به اهداف قریب و بعید خود در پرورش نیروی انسانی لازم در جامعه نوع نظام آموزش و پرورش را، که در حقیقت به منزله یک ابزار است، تعیین می‌کنند. این تعیین نظام به کارشناسی دقیق در باب شناخت نیازهای جامعه، نوع فرهنگ مردم و شناخت نظام‌های آموزشی موفق دنیا محتاج است.



بود و در صورت عدم هماهنگی، نتیجه وابسته به مقدار نیرو و امکاناتی است که از هر یک از دو طرف وارد می‌شود و اوضاع و احوال را به سود خود تغییر می‌دهد. مواضع اقتصادی دولت نیز به صورت غیرمستقیم بر نهاد آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد؛ اگر سیاست‌های خرد و کلان اقتصادی به گونه‌ای باشد که نهاد آموزش و پرورش را در ساختار و تشکیلات خود با بحران‌های درون سازمانی مواجه کند و یا افراد شاغل در درون نهاد به این نتیجه برسند که جایی که دیگران یک شبه راه ده ساله را طی می‌کنند، با درس خواندن و تحصیل علم نمی‌توان گذران زندگی کرد، در این صورت قطعاً روز به روز این نهاد با افت نیروهای کیفی روبرو و نیز دچار بحران علمی خواهد شد.

توجیه کند. هر مقدار مقبولیت حکومت از سوی مردم بیش‌تر باشد و به تعبیر امام خمینی (ره) این مردم باشند که حکومت را ساخته‌اند و بین آن‌ها و دولت فاصله‌ای نباشد، حکومت در عملکرد و بقای خویش از توان بیشتری برخوردار خواهد بود.

تأثیر سیاست‌های حکومت بر آموزش و پرورش: سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومت درباره امور جامعه به طور غیرمستقیم بر نهاد آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد. سیاست‌های دولت درباره رسانه‌ها می‌تواند شکل کار این نهاد را تغییر دهد و بر قوت یا ضعف، هماهنگی یا عدم هماهنگی آموزش‌های درون نهاد اثر گذارد. یعنی گاهی رسانه‌ها با پیام‌های فرهنگی و آموزشی خود، تأثیر کار نهاد آموزش و پرورش را خنثی می‌کنند و موجب یک نوع دوگانگی در محتوای آموزشی و چه بسا در کل سیستم می‌شوند. طبیعی است در صورتی که این سیاست‌ها در جهت تقویت یکدیگر باشند، حاصل و نتیجه کار برابند جمع نیروها خواهد

دست پیدا می‌کند، مردمی که از یک سطحی از آموزش عمومی و آگاهی نسبت به قوانین اجتماعی برخوردار باشند، از مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی به دور خواهند بود.

ج. تأمین اقتدار برای حکومت: دولت‌ها از طریق محتوای آموزش می‌خواهند اقتدار (مقبولیت عام) خود را تثبیت کنند و آموزش و پرورش این مسئولیت را به عهده دارد تا مقبولیت دولت را به شیوه‌ای در لایه‌های دروس و در فضای آموزشی ایجاد کند و افراد جامعه را نسبت به حاکمیت توجیه کند. هر مقدار مقبولیت حکومت از سوی مردم بیش‌تر باشد و به تعبیر امام خمینی (ره) این مردم باشند که حکومت را ساخته‌اند و بین آن‌ها و دولت فاصله‌ای نباشد، حکومت در عملکرد و بقای خویش از توان بیشتری برخوردار خواهد بود.

ج. تأمین اقتدار برای حکومت: دولت‌ها از طریق محتوای آموزش می‌خواهند اقتدار (مقبولیت عام) خود را تثبیت کنند و آموزش و پرورش این مسئولیت را به عهده دارد تا مقبولیت دولت را به شیوه‌ای در لایه‌های دروس و در فضای آموزشی ایجاد کند و افراد جامعه را نسبت به حاکمیت



معلم میلاد راستی دانشجوی مرکز پشت فارس

ویژگی های معلم شاخص

معلم!

هر کدام از ما درک و تعریفی از معلم و فعالیتش داریم. بین این تعاریف اشتراک های زیادی وجود دارد. شاید بتوان درباره ویژگی های یک معلم خوب و شایسته کتاب ها و مقاله های زیادی را نوشت.

هر کس با تفکر درباره ویژگی های معلمان دوران تحصیلش می تواند لیستی از ویژگی های مثبت و منفی درباره معلم تدوین کند. اگر از اطرافیان خود درباره ویژگی های معلم نظرسنجی کنید ، احتمالاً هر کدام از جواب ها زیر مجموعه این بخش ها قرار می گیرند: متعهد و انسان ساز بودن ، ارتباط مناسب با دانش آموزان ، علم و دانش لازم ، توانایی تدریس ، ویژگی های شخصیتی و ظاهری مناسب.

در هر شماره از نشریه جوانه علم سعی می کنیم هر بخش را به همراه یکی از شاخه های آن بیان کنیم.

متعهد بودن :

از ویژگی های بارز یک معلم شایسته می باشد. این تعهد نه از روی اجبار بلکه ناشی از عشق است. شاید برخی میزان تعهد را با میزان حقوق بسنجند اما واضح است که حقوق چه کم و چه زیاد هر دو باعث بی انگیزگی می شود. البته می توان در طول دوران تدریس هر معلم بصورت پلکانی و براساس شاخص هایی افزایش حقوق صورت بگیرد تا باعث شود معلم در جهت هر چه بهتر شدن گام بردارد.

بنابراین عشق به حرفه معلمی و عشق به دانش آموزان و موفقیت شان است که در کنار یکسری شاخص های دیگر می تواند کیفیت یک سیستم آموزشی را افزایش دهد. زمانی که حرفه معلمی را انتخاب می کنیم و وارد این وادی می شویم در مقابل تعلیم و تربیت انسان ها مسئول هستیم. باید خود را بهترین نحو آماده این کار کنیم. نمی توان به بهانه هایی مثل حقوق، امکانات، شرایط و ... در جایگاه معلمی کم کاری کرد. قرآن کریم می فرماید :

أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (آیه ۳۴ سوره اسراء)

به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد (در قیامت) سوال می شود.

ارتباط مناسب با دانش آموزان:

یکی از فاکتور های مهم است. در امتداد این هدف است که می توان کلاس را به عالی ترین شکل مدیریت کرد و محتوای نظام آموزشی را تدریس کرد. معلم باید به گونه ای رفتار کند در عین صمیمیت مورد احترام دانش آموزان قرار گیرد. این مهم با احترام متقابل به دست خواهد آمد. قرآن کریم در این باره می فرماید :

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۚ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ... (آیه ۱۵۹ سوره آل عمران)

(ای پیامبر!) به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند.

علم و دانش:

لازمه حرفه معلمی داشتن علم و دانش در زمینه مربوطه است. روشن است که اگر معلمی در درس ریاضی دانش لازم را کسب نکرده باشد نمی تواند آن را تدریس کند. اگر دانش نباشد ، متعهد بودن و ارتباط مناسب به تنهایی فایده ای ندارد. البته شایان ذکر است که این ویژگی شرط لازم است ولی شرط کافی نیست! در کنار دانش ، معلم باید در تدریس مهارت کسب کند. مثلاً روش های تدریس را بداند و متناسب با موضوع تدریسش ، روش مناسب انتخاب کند. قرآن کریم می فرماید :

...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (آیه ۹ سوره زمر)

آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟

ویژگی های شخصیتی و ظاهری:

معلم باید تلاش کند خود را به انواع ویژگی های شخصیتی و ظاهری مناسب آراسته کند. درباره شخصیت به اولین موردی که می توان اشاره کرد اخلاق شایسته است (همانطور که در ارتباط مناسب بیان شد). در مورد ظاهر کیست که نداند خوش تیپی چه تاثیری در وجهه اجتماعی هر کس دارد؟ طبیعی است که دانش آموزان به معلم خوش پوش بیشتر احترام می گذارند.

میلاد راستی ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

شاد و سربلند باشید.

سپاس از توجه شما

نقد روانشناسی تربیت غربی

قبل از شروع بحث با مقدمه‌ی تاریخی‌چهای از روانشناسی تربیتی در جهان شروع می‌کنیم:

روانشناسی تربیتی به مطالعه‌ی روانشناسانه‌ی چگونگی تدریس و کارایی آن در وضعیت‌های آموزشی می‌پردازد. برخی دانشمندان، روانشناسی تربیتی را زیرشاخه‌ی روانشناسی می‌دانند و برخی می‌گویند شاخه‌ای از تعلیم و تربیت است. روانشناسی تربیتی یا همان تعلیم و تربیت، در گذشته با عنوان پداگوژی (راهبری دانش آموزی) به کار برده می‌شد؛ اگر چه این واژه دست‌خوش تغییرات شده و امروزه در زبان انگلیسی با نام **education** به کار می‌رود اما در آمریکا رشته‌ای به نام دکترای پداگوژی یا دکترای افتخاری هنوز کاربرد دارد. از مریبان شناخته‌شده در جهان در این رشته می‌توان به افرادی همچون ژان آموس کمپوبوس، سلسنتین فرنه و... اشاره کرد.

امروزه روانشناسی تربیتی یک رشته علمی مشخص است که در دانشگاه‌ها به صورت متمایز تدریس می‌شود و هدف آن در وهله‌ی اول، فهمیدن و بهبودبخشیدن به تعلیم و تربیت است. روانشناسی تربیتی با تدریس و تربیت و چگونگی کار معلمان سر و کار دارد؛ چرا که برای پی‌بردن به اهمیت و ارزش آن، نیاز به شناخت چگونگی و چرایی آن است. دانش روانشناسی تربیتی عموماً دارای پنج وظیفه‌ی اساسی است:

۱. انتخاب هدف‌ها

۲. شناخت ویژگی‌های دانش‌آموزان

۳. شناخت و بکاربردن نظریه‌های مربوط به فرآیند یادگیری و رشد

۴. انتخاب و بکارگیری روش‌های تدریس و تربیت

۵. ارزشیابی یادگیری و رشد دانش‌آموزان

دانش جدید روانشناسی تربیتی در قرن ۱۹ توسط دانشمندانی چون ویلیام جمیز، استانلی هال و... به وجود آمد؛ البته نقطه‌ی آغاز این پیدایش و رشد آن با مطالعه در آثار آلفرد بینه در اروپا و استانلی هال در آمریکا شروع شد که رشد و پیشرفت آن در سه دوره قابل مشاهده و بررسی است:

۱) دوره شکل‌گیری

۲) دوره شهرت‌یابی

۳) دوره معاصر

اما پیشینه روانشناسی تربیتی در ایران به سال‌های منتهی به مشروطیت برمی‌گردد. شناخت وضعیت روانشناسی در ایران همانند آمریکا، نیازمند شناخت چگونگی آن است و اکنون به صورت مجزا در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. تعلیم و تربیت در ایران همانند مغرب زمین با پداگوژی به وجود آمده و با تلاش فراوان میرزاتقی‌خان امیرکبیر، میرزا ملکم‌خان، عبدالرحیم الطالوف، میرزا حسن رشیدی (بنیانگذار آموزش عالی نوین ایران)، جبار عسگرزاده (بنیان‌گذار اولین کودکان جدید یا باغچه کودکان) و همچنین با پیدایش نگرش‌های اجتماعی-سیاسی جدید و به وجود آمدن روزنامه‌ها تشکیل شده و گسترش یافته است. بعد از تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ هجری شمسی و تا چندین سال بعد از آن، رفته‌رفته نیاز به روانشناسی تربیتی بیشتر شد.

آموزش همگانی در آمریکا به وجود آمد و بعدها باعث تشکیل آموزش و پرورش جدید دوران کودکی شد، اما نباید از این غافل گشت که ایران از اولین کشورهایی بود که دبستان‌های کودکان و نوجوانان را پایه‌گذاری کرد؛ یعنی پیشینه‌ی کهن دارد، اما با افت (دوره قاجار که مدارس در شبانه‌ها، مساجد و... تشکیل می‌شد) و خیزهای (دوره هخامنشیان) مواجه بود که این شکاف تعلیم و تربیت یکی از عنصرهای اساسی در عقب‌ماندگی‌های ایران است. سند صدق آن نیز وجود الواح گلی است که با خط میخی در زمان کوروش نوشته شده‌اند. البته آموزه‌های روانشناسی تربیتی نیاز به نوآوری دارد که این نوآوری باید بعد از مطالعه‌ی وسیع و دقیق از وضع کنونی و دستاوردهای علوم تربیتی باشد و شرایط و وسایل هم آماده باشند. همچنین نیاز به افراد متخصص دارد و باید همه‌ی افراد جامعه لزوم آن را درک کنند. حال که می‌خواهیم به نقد روانشناسی تربیتی غربی بپردازیم، باید قبل از آن با چند مفهوم آشنا شویم:

روانشناسی، مطالعه علمی فرایندهای ذهن و رفتار است. روانشناسی حوزه وسیعی است که به دنبال درک و توضیح چگونگی تفکر، رفتار، رشد، شخصیت، عواطف، انگیزه و... در انسان است. به‌دست‌آوردن درک غنی‌تر و عمیق‌تر از روانشناسی می‌تواند به افراد کمک کند تا بینش بیشتری نسبت به اعمال خود به‌دست‌آورند و درک بهتری از دیگران داشته‌باشند. راه‌های مختلفی برای تفکر در مورد رفتار انسان وجود دارد. روانشناسان هنگام مطالعه از چگونگی فکر، احساس و رفتار افراد مختلف از دیدگاه‌های مختلف استفاده می‌کنند. مفهوم بعدی "تربیت" است. تربیت معادل اصطلاح انگلیسی **education** است که گاهی نیز به پرورش ترجمه شده‌است. در هر حال تربیت عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی و اجتماعی یا بطور کلی رشد شخصیت افراد در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاشدن استعدادهای آنهاست.

روانشناسی تربیتی (**educational psychology**) بررسی نحوه‌ی یادگیری افراد، که شامل موضوعاتی مانند نتایجی که دانش‌آموزان از تحصیل خود حاصل می‌کنند، فرآیند آموزشی، تفاوت‌های فردی در یادگیری، شاگردان با استعداد و عدم توانایی در یادگیری می‌شود را دربرمی‌گیرد.



حال که با این مفاهیم آشنا شدیم با نظرات اندیشمندان و دانشمندان غربی پیرامون روانشناسی تربیتی و مفهوم کلی تر تعلیم و تربیت می پردازیم:

"پیاژه" ضمن تاکید بر فعالیت فعالانه کودک که او را محور اصلی تربیت می داند، واقعیت تربیت را امر فردی ندانسته و معتقد است که تحول روانی فرد در بطن جامعه محقق می گردد. در همین دیدگاه پیاژه به ساختار کلی جهت دار و متعالی انسان که از زیست به سوی روان است تکیه دارد؛ این نگاه او گویای این حقیقت است که درون سازی جز از طریق برون سازی امکان پذیر نیست؛ در واقع تعامل درون و محیط می تواند ایجادکننده ی ساختارهایی کامل تر باشد.

هدف تربیت از دیدگاه پیاژه این است که تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت انسان و تحکیم و احترام حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد.

روش کار پیاژه:

روش کار پیاژه تقریری، فعال، شهودی، استفاده از برنامه و ماشین های آموزشی و روش آزمودنی بود که می توان استفاده نمود اما هریک از این روش ها قابل بررسی است:

در روش تقریری انسان فعل پذیر است نه فعال؛ به این معنا که اطلاعات توسط معلم انتقال می یابد و شکوفایی استعداد در انسان وجود ندارد.

در روش فعال، به اشخاص فرصت داده می شود تا خود تحول خویش را درونی سازند.

در روش شهودی، اگر انسان فعال نباشد، به کشف حقایق دسترسی پیدا نمی کند.

در روش آموزشی ماشینی، انسان به روزمرگی عادت نموده و خلاقیت در او ظهور نمی کند.

در روش آزمودنی، نوعی نظم جویی وجود دارد که به تدریج ایجاد می شود.

برای ابزار مورد استفاده در امر آموزش می توان از مدرسه، وسایل کمک آموزشی و مشاهده بهره جست.

از منظر "جان دیویی" تعلیم و تربیت به معنی آگاهی است و با آشکارکردن استعدادها به تشکیل و پرورش قوای ذهنی پرداخته و به تشکیل ذهن مبادرت می ورزد. تعلیم و تربیت به عنوان تکرار گذشته و توجه به گذشته است و مانند تشکیل و تجدید ساختمان می باشد. ارتباط دادن تعلیم و تربیت با تجربه شاگردان، یکی از جنبه های اساسی تعلیم و تربیت جدید است ولی مسئله، داشتن یک تصور صحیح از تجربه است. "جان دیویی" معتقد است اصول و مواد درسی را باید از موادی انتخاب کرد که در نظریات زندگی کاربردی داشته باشد.

تعلیم و تربیت از دیدگاه غرب و روش ابزار کار:

هدف تربیت از دیدگاه غرب با توجه به شناخت این دیدگاه از انسان، تربیتی فعال است. همان طور که ملاحظه گردید، در این نوع پرورش کمال و تعالی دنیوی انسان مقصود نهایی است. در این دیدگاه، کنترل درونی لحاظ نگردیده است. انسان غربی، انسانی است که اجتماع متعالی دارد. بزرگ ترین عامل رشد

انسان اراده اوست. انسان متعالی با قابلیت هایی که دارد و اراده شکستناپذیر او در طی کمالش، او را کمک خواهد داد. حال آنکه از دیدگاه غرب به این نکته توجه نشده و انسانی را متصور است که فانی است و لذت ها همه مادی اند؛ پس این انسان محدود، می کوشد تا تمام کمال مادی خود را بدست آورد و با ولع تمام از دیگران در تصاحب آن پیشی گیرد. روش ها همه مادی اند، از طریق ابزارهای آزمایشگاهی قابل کنترل اند، همه قابل مشاهده اند؛ تقریری، فعال، شهودی، استفاده از برنامه و ماشین های آموزشی، روش آزمودنی. پس چه سخت است در این فرصت محدود دنیایی، تمام لذت های مادی را طلبید.

تعلیم و تربیت از دیدگاه شریعتمداری:

وی می گوید مسائل زندگی برای مربی نیز مبهم می باشد؛ بنابراین چگونه می توان وضع حاضر بچه ها را مورد غفلت قرار داده و آنها را برای آینده ای نامعلوم آماده کرد؟ اشکال دیگر، مسامحه و تردید است که در مورد تربیت بچه برای آینده پیدا می شود؛ زیرا فاصله آینده تا زمان حاضر خیلی زیاد است و نباید زیاد برای رسیدن به آن عجله نمود. اشکال سوم این است که مربی می خواهد اعمال بچه را روی میزان یا استانداردهایی که مربوط به گذشته و برای دیگران وضع شده است، مورد سنجش قرار دهد. در نتیجه به میزان هایی که برای آینده بچه اهمیت دارد توجه می کند و بدون توجه به وضع فعلی بچه تعیین می شود.

وی معتقد است اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان و مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعلیم دینی و تحقیقات روانشناسی، جامعه شناسی فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است. باید توجه داشت تعلیم و تربیت غیر از روانشناسی است؛ همانطور که جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی با تعلیم و تربیت فرق دارند. تعلیم و تربیت از رشته های مختلف روانشناسی مثل روانشناسی رشد، روانشناسی یادگیری، روانشناسی مربوط به دوره بچگی یا روانشناسی بلوغ استفاده می کند و اصولی که روانشناسان در این موارد پیدا می کنند را سرلوحه ی کار و فعالیت تربیتی خود قرار می دهند. مربی باید از روانشناسان کمک گیرد اما در هر دوره که فرد در اجتماع زندگی می کند، از نظر روانشناسان احتیاجات روحی و روانی در تأمین بهداشت جسمانی، به اندازه احتیاجات بدنی تأثیر دارند. احتیاجات عمده ی روانی

که عدم تأمین آنها موجب اضطراب و ناراحتی در افراد است، عبارت است از:

- الف- احتیاج به محبت
- ب- احتیاج به بستگی و تعلق به گروه
- ج- احتیاج به بیان و ابراز وجود
- د- احتیاج به امنیت، نظم، هدف



مقایسه تعلیم و تربیت اسلامی با غیر اسلامی و غرب:

۱. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جامعه موضوع اصلی است و در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، انسان.
۲. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی در طلب قدرت و تعلیم و تربیت اسلامی در طلب حقیقت است.
۳. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجه به سوی تکنولوژی و در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجه به سوی ایدئولوژی متمایل است.
۴. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجه به سمت منفعت و سود می باشد در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجه به سمت ارزش ها متمایل است.
۵. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، صرفا تاکید بر آموزش است در حالی که تعلیم و تربیت اسلامی بر هر دو بعد آموزش و پرورش تاکید دارد.
۶. نتیجه فلسفه تعلیم و تربیت غربی رفتار اجتماعی و نتیجه تعلیم و تربیت اسلامی پیشروی به سوی اخلاق اسلامی است.
۷. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی انسان وسیله ای برای نیاز جامعه است در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی، انسان هدف و نیاز جامعه وسیله است.
۸. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، آسایش و سعادت دنیوی هدف است در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی، سعادت و کمال دنیوی و اخروی هدف است.
۹. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجه روح پراگماتیسم (تربیت وسیله ای برای ارضای نیازها و خواسته های فرد و خاستگاهی روانشناختی و زیست شناختی دارد) است در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجه روح وحدت (همه از خداییم و به سوی خدا می رویم) حاکم است.
۱۰. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جهت گیری آزاد است ولی در تعلیم و تربیت اسلامی جهت گیری متعهدانه است.
۱۱. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، بینش واقع گرایی (رئالیسم) است و در تعلیم و تربیت اسلامی، ایده آل گرایی و انسان کامل است.
۱۲. رسالت تعلیم و تربیت غربی، توجیه انسان در نظام اجتماعی است در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی، توجیه انسان در نظام خلقت است.
۱۳. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، گرایش به سوی تمدن است در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی گرایش به سوی فرهنگ است.
۱۴. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، سازنده اجتماع است و در تعلیم و تربیت اسلامی، سازنده امت است.
۱۵. تعلیم و تربیت غربی، براساس بودن انسان و تعلیم و تربیت اسلامی براساس اراده استوار است.
۱۶. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، زیربنای فکری علم و در تعلیم و تربیت اسلامی علم و حکمت است.
۱۷. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، رشد، جهان آگاهی است و در تعلیم و تربیت اسلامی رشد، خودآگاهی است.
۱۸. تعلیم و تربیت غربی جامعه متمدن و تعلیم و تربیت اسلامی انسان متمدن می سازد.
۱۹. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجه کسب تسلط بر طبیعت و محیط است اما در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجه کسب تسلط بر خویشتن است.
۲۰. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجه انسان را در خدمت خویش و به صلاح جامعه قرار می دهد اما در تعلیم و تربیت اسلامی، در نتیجه جامعه به صلاح فرد در جهت کمال انسان و جامعه قرار می گیرد.

مکتب اسلام: به اعتلای روح انسان توجه خاصی دارد؛ این خداگونه شدن در حقیقت آشتی انسان با فطرت خدادادی از طریق تربیت عقلانی، اخلاقی و ارشادی بوده و نص تنزیل قرآن مجید نیز به همین معنی اشاره دارد. نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد، دلیلی بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است. اسلام بیشترین بها را به تعلیم و تربیت داده است. ضرورت تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام ضرورتی مطلق است؛ یعنی هیچ قید افرادی، زمانی، مکانی و محدودیت دیگری ندارد. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«و بالتعلیم أُرْسِلْتُ: برای تعلیم برگزیده شده ام.»

و نیز حضرت علی (ع) می فرمایند: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخَذِ الْحِكْمَةَ وَكُوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ: علم و دانش گمشده مؤمن است، بنابراین دانش را بگیر، هر چند از اهل نفاق باشد.»

اینها همه دلیل بر ارج نهادن به مسأله تعلیم و تربیت یعنی علم آموزی و یادگیری می باشد. **اسلام و اسلامیان نه در شعار که در عمل، مدت ها از ترویج دهندگان علوم و فنون و معارف دنیوی و اخروی بوده اند و معتقدند:**

- ۱- انسان ترکیبی از جسم و روح است.
- ۲- اصالت از آن روح مجرد و مرتبط با عالم قدس است. بدن انسان ارگانیزم پیچیده ای است که با روح پیوند محکمی دارد.
- ۳- انسان در آغاز در همهی ابعاد دارای استعداد بالقوه است که قابلیت رشد دارد. موضوع تعلیم و تربیت روح انسان است که بدن نیز وسیله ای برای پرورش روح انسان است.
- ۴- همهی موجودات فقیرند و نیازمند به هم هستند و برای نیل به مراتب کمال مطلوب خود، به خدا نیازمندند.
- ۵- تعلیم و تربیت خاص موجودات مختار و مستعد است، که ظرفیت کمال در مخلوقات مستعد متفاوت است.
- ۶- انسان بالاترین ظرفیت را در بین مخلوقات داراست.
- ۷- تعلیم و تربیت تنها عامل ظهور استعدادهای انسان است.
- ۸- کمال اصلی انسان اسلامی، تقرب به خدا است.

ویژگی های تربیت و تعلیم از دیدگاه اسلامی:

۱. خود شناسی و خود سازی:
۲. هدایت کردن دیگران
۳. نظارت درونی: در تربیت اسلامی، مسلمانان در همه حال خدا را ناظر اعمال، گفتار و افکار خود می دانند.
۴. توجه به حیات اخروی: در تربیت اسلامی، بدون اینکه حیات مادی نادیده گرفته شود، به حیات اخروی بیشتر اهمیت داده شده است (وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَثْبَتُ).
۵. تعلیم و تربیت اسلامی از جامعیت و شمول برخوردار می باشد؛ برای همه نسل های بشری و در همه زمان ها کاربرد دارد.
۶. در تربیت اسلامی، علم آموزی بر هر کس فریضه است.
۷. در تربیت اسلامی، تحصیل علم خاص زمان و مکان معینی نیست.
۸. تحصیل علم در اسلام ویژه افراد بخصوصی نمی باشد.
۹. در تربیت اسلامی، برای کسب علم از عقل و تجربه بهره می گیرند که در تائید آن می توانیم استناد کنیم به برخی آیات کتاب آسمانی.
۱۰. در تربیت اسلامی، برنامه منطبق بر فطرت انسان گذاشته شده و از طریق عقل قابل درک است.



به قلم زهرا سلمان رشود دانشجو مرکز سلمان فارسی شیراز



به قلم زهرا سلمان رشود دانشجو مرکز سلمان فارسی شیراز

خلاقیت در تدریس

یکی از اهداف مهم نظام آموزش و پرورش شکوفایی خلاقیت دانش آموزان است. خلاقیت از کلمه خلق گرفته شده به معنای آفرینش ایده و افکار جدید برای حل مسائل و مشکلات است. خلاقیت یک توانایی درونی و فطری که توسط خداوند در هر شخصی نهاده شده است که عوامل فردی و اجتماعی نقش مؤثری در ظهور و پرورش آن دارد.

پس از تشخیص خلاقیت در کودکان باید به حفظ و پرورش آن اقدام کنیم. ابتدا پرورش انگیزه خلاقیت به گونه ای که شایستگی های کودکان را یادآور شویم و حس مستقل بودن کودکان را تقویت کنیم تا بتوانند تصمیم گیری کنند، کنجکاوی آنها را برای کشف چیزهای جدید برانگیزانیم؛ سپس پیوندی را بین استعداد، مهارت و علاقه آنها ایجاد کنیم. ارزشیابی توصیفی با تغییر و انعطاف پذیری در ساختار نظام ارزشیابی توانسته با شیوه ها و علایق یادگیری انطباق پیدا کند. کودکان برای فعالیت هایی که احساس لذت و تسط به آنها میدهد حس بهتری دارند و برای انجام آن بیشتر وقت میگذارند.

اگر اندکی به فضای کلاس ها دقت کنیم؛ مشاهده میکنیم که در کلاس ارزشیابی توصیفی، کودکان در زمینه یادگیری بسیار فعال هستند و اختیار دارند آنگونه که میخواهند درس را یادگیرند به همین دلیل احساس آرامش و راحت بودن نسبت به محیط کلاس خود دارند و اضطرابی برای کسب نمره ندارند. معلم جوی را در کلاس ایجاد میکند تا علاوه بر جلوگیری از رقابت ناسالم باعث افزایش حس کمک کردن به یکدیگر شود و در کنار یکدیگر ایده های جدیدی را ارائه بدهند و به نتیجه نهایی کار که همان خلاقیت است افتخار کنند.

معلمان با ایجاد جوی صمیمی در کلاس درس فضایی مناسب را برای رشد خلاقیت دانش آموزان فراهم میکنند تا دانش آموزان بتوانند با خیال راحت در کلاس نظرات خود را بیان کنند و بدون هیچ نگرانی هر سؤالی را که در ذهن خود دارند، مطرح کنند. کودکان بوسیله معلم خود تشویق می شوند تا علاقه و ایده های خود را به کلاس درس بیاورند و اجازه دارند درباره هدف های کار روزانه خود با معلمان گفت و گو کنند.

انها روش درست فکر کردن در مورد مسائل و قوانین علمی را به دانش آموزان آموزش می دهند تا آنها هر چیزی را بدون دلیل و منطق نپذیرند. پس روابط صمیمانه، همراه با علاقه و احترام، نقش مؤثری در ظهور و پرورش خلاقیت دانش آموزان دارد.

کودکان برای فعالیت هایی که احساس لذت و تسط به آنها میدهد حس بهتری دارند و برای انجام آن بیشتر وقت میگذارند.

پس یکی از مکان هایی که به رشد خلاقیت و پرورش آن کمک میکند، مدرسه است. زمانی که کودک وارد این محیط میشود این امر باعث پرورش رشد اجتماعی او خواهد شد. عوامل بسیاری وجود دارد که بتدریج توانایی خلاقیت را کاهش میدهد؛ عبارت اند از: دادن تکالیف زیاد به کودکان، تأکید بر حفظ کردن دروس، عدم توجه به تفاوت های فردی و انجام برنامه های هماهنگ سبب می شود که قدرت خلاقیت کودکان کاهش یابد.



میلگرام (۱۹۹۰) نیز معتقد است علت شکست مدرسه در رشد خلاقیت تا حد زیادی به تعلیم و تربیت یکنواخت مربوط می شود. این در حالی است که هر کدام از بچه ها کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند. پس میتوان گفت اگر محیط آموزشی از جمله روش های تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می شود.

تورنس (۱۹۸۷) در نتایجی از ۳۰۸ مطالعه انجام شده، نشان می دهد که روشهای تدریس مناسب، بر رشد خلاقیت کودکان تأثیر مثبت می گذارد و در ۷۰٪ موارد با موفقیت همراه است.

به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش آموزان را برای حل مسائل و مشکلاتی که در آینده وجود دارد آماده میکند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش های مناسب در کلاس بپردازد، کنجکاوی کودکان را برانگیزانند و شرایط مناسب تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند. پس جامعه به شدت به نسلی خلاق و نوآور نیازمند خواهد بود.

چند نمونه از روش های پرورش خلاقیت:

- ۱- داستان گویی و قصه نویسی
- ۲- امور هنری از قبیل نقاشی
- ۳- تشویق دستاوردهای خلاق کودکان
- ۴- بیان شرح حال و زندگی بزرگان
۵. بازدید از مکان های علمی و تاریخی
- ۶- آزمایش و گزارش نویسی



Stanley Milgram





پیشہ ورانہ تعلیمی مرکز سلمان فارسی فارس

۵- ذکر ایام هفته: ذکر ایام هفته و تقویم با سلیقه و خلاقیت معلم درست می شود. معلم از یکی از دانش آموزان می خواهد ذکر آن روز را مشخص کند. باید ذکر مشخص شده را سه بار تکرار کند و درباره معنای آن ذکر بپرسد سپس برایشان توضیح دهد.



۶- بررسی تکالیف جلسه قبل:

پس از مشخص کردن تقویم و خواندن ذکر روز، نوبت به بررسی تکالیف می رسد. در این قسمت با دانش آموزی که تکالیف خود را انجام نداده، بار اول با نرمی و ملایمت تذکر می دهد و در صورت تکرار با او به صورت جدی برخورد می کند. تاحدی که بداند انجام تکالیف اهمیت زیادی دارد.

۷- ارزشیابی از درس قبل:

مهم ترین کاری که معلم باید قبل از آغاز درس جدید انجام دهد، ارزشیابی از درس قبل است. معلم با این کار متوجه می شود میزان یادگیری از درس قبل به چه اندازه بوده است. معلم در این قسمت در مورد کلمات جدید درس قبل از چندین نفر ارزشیابی به عمل می آورد و در مورد هدف و پیام درس از آن ها می پرسد و درس را مرور می کند.

۲- سلام و احوال پرسی:

دومین کاری که معلم باید پس از ورود به کلاس انجام دهد احوال پرسی است. معلم پس از آن که به دانش آموزان سلام می کند و از احوال آنان جويا می شود، بهتر است کلاس را با خواندن سوره ای از قرآن با همراهی دانش آموزان آغاز کند.

۳- حضور و غیاب:

حضور و غیاب است. معلم اسامی دانش آموزان را می خواند و از حضور یا غیبت آنان مطلع می شود. اگر دانش آموزی غایب است از دوست او حالش را جويا شود و علت غیبت او را بپرسد. اگر دانش آموزی روز قبل غایب بوده و اینک حاضر است، علت غیبت او را جويا شود و اگر مریض بوده برای او و همه کودکان جهان آرزوی سلامتی کند. به دانش آموزی که غیبت داشته بگوید که اگر درباره درس قبل مشکلی دارد از دوستان خود بپرسد و یا از معلم سوال کند.

۴- تقویم:

معلم روی تقویمی که از قبل آماده کرده و به دیوار کلاس چسبانده است، با کمک یکی از دانش آموزان تاریخ آن روز را مشخص می کند و از آن ها می پرسد در چه سالی چه فصلی و در چه ماهی قرار دارند. بهتر است تقویم هدفمند و همسو با موضوع تدریس باشد.



نقشه راه پیشنهادی برای تدریس

۱- ایجاد انگیزه:

یک تدریس ایجاد انگیزه است. معلم هنگامی که برای شروع یک تدریس وارد کلاس می شود، وسیله ای مرتبط با موضوع درس به همراه دارد. ایجاد انگیزه می تواند پوشیدن لباسی مرتبط با موضوع تدریس، میوه و خوراکی یا یک شی باشد. هنگامی که معلم با ایجاد انگیزه وارد کلاس می شود، حواس دانش آموزان جمع می شود و آنان را مشتاق می کند که هدف معلم را از به همراه داشتن آن وسیله یا خوراکی یا لباس را بدانند. همینطور پیش زمینه ای از موضوع درس در ذهن آنان شکل می گیرد. درسی که توضیح داده می شود از گلستان سعدی است، پس یک پیشنهاد این است که معلم با گلستان سعدی وارد کلاس شود. ایجاد انگیزه بستگی به علائق و سلیقه معلم دارد.



۸- گروه بندی به صورت تصادفی:

معلم متناسب با درس جدید، دست سازه، شکلات و... را از قبل آماده می کند و به همه دانش آموزان می دهد. گروه بندی باید در ارتباط با موضوع درس باشد. برای این درس ویژگی های یک انسان مودب برای گروه بندی در نظر گرفته شده است. معلم باید توضیح دهد که انسان مودب هزاران ویژگی دارد و در اینجا تنها به چند مورد اشاره شده است و صفات او به همین چند ویژگی محدود نمی شود. برگه های بزرگ به دیوار کلاس چسبانده می شود و و برگه های کوچک بین دانش آموزان توزیع می شود تا بصورت تصادفی یکی را انتخاب کنند. پس از آن همه باید در گروه های خود قرار بگیرند و تدریس آغاز می شود. اگر معلم از دانش آموزان خود شناخت داشته باشد، می تواند در گروه بندی های خود، در هر گروه دانش آموز قوی، متوسط و ضعیف را جای دهد تا گروه ها با یکدیگر توازن داشته باشند.



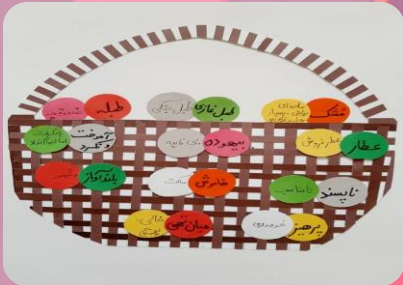
۹- شروع درس با روش اعضای تیم:

معلم، پس از ارزشیابی از جلسه قبل، از روشی متناسب با آن درس برای یافتن کلمات جدید استفاده می کند. برای تدریس درس "ادب از که آموختی" از روش اعضای تیم استفاده می شود. این روش برای متن هایی مناسب است که از قسمت های جداگانه ای تشکیل شده باشند. ابتدا دانش آموزان را به گروه های چند نفره مطابق با قسمتهای متن، سه، چهار یا پنج و... نفره تقسیم می کند و به هر یک از آنها شماره ای اختصاص میدهد. مثلاً اگر متن از چهار قسمت تشکیل شده باشد گروه ها چهار نفره می شوند و از عدد های ۱ تا ۴ به اعضای هر گروه اختصاص می یابد به هر نفر از گروه ها می گوید که بخش مربوط به خود را بخوانند و واژه های جدید و نکات و آرایه های (در کلاس چهارم آرایه تشبیه آموزش داده می شود) آن را بیرون بیاورند. در این مرحله از شماره های یکسان می خواهد که در کنار هم قرار گیرند و راجع به بخش خود بحث و گفتگو کنند و اشکالات یکدیگر را رفع نمایند. پس از آن می خواهد همه به گروه های خود بازگردند و هر نفر بخش مربوط به خود را برای اعضای گروهش توضیح دهد.



۱۰- نصب کلمات جدید:

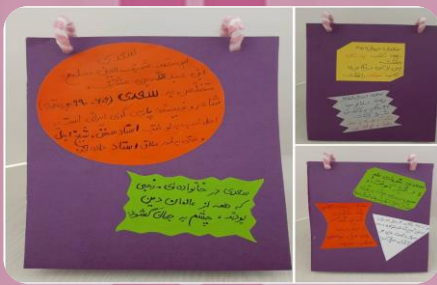
مرحله نهایی از آنها می خواهیم که واژه ها و معنی واژه ها را روی تابلو نصب کنند تا متن درس و کلمات جدید آن دوباره تکرار شود. در این مرحله می توانیم برای یافتن کلمات جدید و معانی آن که نزد معلم هستند، بین گروه ها مسابقه برگزار کنیم؛ به این صورت که از هر گروه یک نفر پای تابلو بیاید و کلمات جدید و معانی آن را میدانند و کنار هم روی تابلو بچسبانند.



در مرحله ای که دانش آموزان به دنبال معانی کلمات از واژه نامه آخر کتاب هستند، اگر دانش آموزی در مورد معنی کلمه ای از معلم سوال کرد، معلم حتما باید با خود لغت نامه معین یک جلدی را به همراه داشته باشد و به دانش آموز دهد تا معنی کلمه را خودش جستجو کند و یاد بگیرد.

۱۱- معرفی شاعر یا نویسنده:

پس از تدریس و یافتن کلمات جدید، معلم با کتابچه ای که از قبل آماده کرده است، شاعر یا نویسنده ای آن درس را معرفی می کند. در این درس به شکلی که در تصویر می بینید، سعدی شاعر "ادب از که آموختی" معرفی و به سرگذشت و آثار او پرداخته می شود.



۱۲- درک مطلب:

پس از چسباندن کلمات جدید به تابلو، به سراغ فعالیت های درس به (درست و نادرست، درک مطلب و دانش زبانی و...) پرداخته می شود. از بین سوالات درک مطلب؛ سوال اول همگرا و جوابش در کتاب است؛ سوال دوم بینابین است و درک و یادگیری دانش آموزان از متن درس سنجیده می شود؛ سوال سوم واگراست و درک دانش آموزان را می سنجد؛ سوال آخر که به صورت نقطه چین مطرح می شود و دانش آموزان باید سوال را طرح کنند، باعث می شود دانش آموز عمیقاً به درس گوش داده تا بتوانند سوال طرح کنند. اگر دانش آموزی سوال بینابین یا واگرا طرح کند، باید او را بسیار تشویق کرد.

۱۳- ارتباط بین گروه بندی و موضوع درس:

پس از پایان یافتن درس، معلم باید به ارتباط بین گروه بندی و موضوع درس اشاره کرده و نظر دانش آموزان را بپرسد. در آخر اهداف و نکات درس را متناسب با فهم دانش آموزان توضیح می دهد.

۱۴- دعای پایانی:

معلم در آخرین قسمت تدریس از دانش آموزان می خواهد یک نفر به طور داوطلبانه دعایی بخواند و پس از آن همگی آمین گفته و صلوات می فرستند.

۱۵- تعیین تکلیف:

پس از اتمام درس، برای تثبیت یادگیری، معلم از دانش آموزان می خواهد برای جلسه بعد، کلمات جدید و نکات درس را بخوانند و با آمادگی در کلاس حاضر شوند.

نکات مهم جهت تدریس

هر چه بهتر:

۱- به نام خداوند" فارسی و روی برگه نوشته شده و به تخته چسبانده شود، در کلاس فارسی خوانداری هیچ چیز نباید روی تابلو نوشته شود.



۲- هنگامی که در مورد خانواده دانش آموزان صحبت می شود، حتماً از لفظ بزرگتر استفاده شود نه پدر و مادر، شاید دانش آموزی پدر یا مادر خود را از دست داده باشد.



۳- تعداد گروه ها فرد باشد.

۴- سوال دانش آموزان باید با سوال پاسخ داده شود.

۵- بهتر است هر دانش آموز به فارسی خوانداری دفتری اختصاص دهد تا معنی کلمات جدید هر درس را در آن بنویسد، زیرا در کتاب هیچ چیز نباید نوشته شود.



راهکارهای ایجاد تمرکز در کلاس حضور کلاس، غیاب حواس



به تحریر: سحر ابراهیمی دانشجوی پرديس شهيد باقر فارس



به تصحيح: محمد شفيق دانشجو پرديس شهيد باقر فارس

- (۱۳) چند تصویر را به صورت مرتب روی میز بچینید و سپس از دانش آموز بخواهید با دقت به آن‌ها نگاه کند و چشمانش را ببندد؛ سپس جای یک و یا دو تصویر را عوض کنید تا دانش آموز به شما بگوید جای کدام تصاویر عوض شده است.
- (۱۴) از دانش آموز بخواهید نام اشیاء داخل کلاس، نام مدیر و معاون مدرسه، نام چند نفر از دوستان، آدرس و تلفن منزل، شماره تلفن همراه پدر دانش آموز، و ... را برای شما بنویسد.
- (۱۵) تصویری را به دانش آموز نشان دهید و سپس آن را پنهان کنید. دانش آموز باید ریز به ریز تصویر را برای شما بگوید.
- (۱۶) کلماتی را به دانش آموز دهید و از او بخواهید حداقل ۳ جمله برای آن بنویسد.
- (۱۷) شمارش معکوس توسط دانش آموزان و یا برعکس حرف زدن، مثل: این زنگ علوم داریم = داریم علوم زنگ این (۱۸) در زمانی که تمرکز دارند، آن‌ها را تشویق کنید.



- (۱) از دانش آموز بخواهید جملات ناقص را به دلخواه خود کامل کند. مثال: من دیروز ...
- (۲) بریدن شکل‌های مختلف و چسباندن تصاویر توسط دانش آموز
- (۳) چند وسیله‌ی کمک آموزشی و ... را به کلاس بیاورید و به دانش آموزان نشان دهید؛ سپس از دانش آموزی که بی‌دقت است، بخواهید تا چشمانش را ببندد و اشیاء را لمس کند و نام اشیاء را به شما بگوید.
- (۴) افزایش دقت و تمرکز با گوش دادن به صداهای مختلف و یادداشت کردن آن‌ها توسط معلم روی تابلو
- (۵) استفاده از مینی بسکتبال، تقویت دقت و هماهنگی چشم و دست
- (۶) استفاده از «دارت»، جهت هماهنگی چشم و دست و دقت چند بازی برای تقویت هماهنگی چشم و دست
- قیچی کردن کاغذ قلاب و ماهیگیری توپ و راکت مینی بسکتبال بازی، دارت کوبیدن میخ با چکش استفاده از خط کش، والیبال، بدمینتون، نخ کردن مهره ها، راه رفتن بین خطوط، حمل یک لیوان آب، حمل یک زنگوله که صدای آن شنیده نشود، پیچاندن نخ دور قرقره، رنگ آمیزی اشکال.
- (۷) چند تصویر به دانش آموز نشان دهید و سپس آن‌ها را پنهان کنید و از دانش آموز بخواهید به شما بگوید چه دیده است؟
- (۸) کلماتی را از متن دروس تهیه کرده و از دانش آموز بخواهید برای آن‌ها تشدید و یا سرکش و ... بگذارد.
- (۹) متنی را تهیه کنید و نقطه‌های کلمات آن را بردارید و از دانش آموز بخواهید نقطه‌ها را بگذارد. این کار را هم روی تخته‌ی کلاس می‌توانید انجام دهید و هم به صورت تایپ شده می‌توانید در اختیار دانش آموزان قرار دهید.
- (۱۰) از دانش آموز بخواهید جملات در هم ریخته را مرتب کند.
- (۱۱) از دانش آموز بخواهید کلماتی را که بیان می‌کنید، بعد از شما تکرار کند. مثال: خانه-میز-لباس (مثال عددی: ۶-۸-۹) سپس کلمات را کم کم به ۷ کلمه و یا ۷ عدد برسانید. (جهت تقویت دقت و حافظه)
- (۱۲) نوشتن صداهای اول و یا آخر کلمات و جمله‌سازی با آن‌ها. مثال: آب صدای آخر آن (ب) است و دانش آموز می‌بایستی مثلاً بنویسد (بار) و سپس با آن جمله بسازد.



شبه کشته محمد معزى، انجمنى مرکز شهيد معزى فارس

معرفی کتاب کلاس‌های چند پایه (چالش یا فرصت)

کتاب کلاس‌های چند پایه (چالش یا فرصت) نوشته ابراهیم محمدجانی و حسین معجونی، به چگونگی مدیریت کلاس‌های چند پایه و روش‌های تدریس مناسب برای مدرسین این نوع کلاس‌ها در مناطق محروم می‌پردازد. کلاس‌های چند پایه در مناطق روستایی و عشایری به دلیل تعداد کم دانش‌آموز و همچنین نبود امکانات کافی، به صورت دو تا شش پایه، توسط یک معلم برگزار می‌شوند. در این کتاب روش‌های مناسب و کاربردی و همچنین چگونگی برگزاری این نوع کلاس‌ها توضیح داده شده است. در این اثر به بررسی تاریخچه کلاس‌های چند پایه، اهداف آموزش چند پایه و همچنین تفاوت‌های کلاس‌های چند پایه و تک پایه و موضوعات مختلف کاربردی دیگر پرداخته می‌شود که می‌تواند دید باز و روشنی را به معلمین این کلاس‌ها ارائه دهد. در بخشی از کتاب کلاس‌های چند پایه (چالش یا فرصت) می‌خوانیم: در آموزش ابتدایی کلاس‌ها به صوت تک پایه و چند پایه اداره می‌شوند و بر طبق تحقیقات، بچه‌ها در کلاس‌های چند پایه بهتر از کلاس‌هایی که بر اساس سن و سال آن‌ها شکل گرفته پیشرفت می‌کنند. پژوهش نشان داده که تدریس چند پایه در صورت اجرای صحیح می‌تواند از لحاظ تحصیلی مثل تدریس تک پایه اثربخش باشد؛ و می‌تواند مهارت‌های اجتماعی فراگیران را به طور چشمگیری بهتر از کلاس‌های تک پایه ارتقا دهد. در کلاس‌های چند پایه درک بیشتری بین معلمان و فراگیران و محیط غنی‌تری برای دانش‌آموزان جهت مشارکت اجتماعی بیشتر فراهم می‌شود و با مدیریت بهتر کلاس افزایش در یادگیری دانش‌آموزان و رشد عزت نفس فراگیران رقم می‌خورد.



معرفی کتاب هنر معلمی:

۱۲۰ راهکار مهم در تدریس و کلاس‌داری جانی یانگ در کتاب هنر معلمی:

از بهترین یادداشتهای درباره‌ی چگونگی برخورد با دانش‌آموزانی که رفتار مشکل‌آفرین دارند، را خلاصه کرده است. زمانی که جانی یانگ (Johnnie Young) کار معلمی را شروع کرد، آرزو داشت کتابی به دستش برسد که اندرزهایی عملی درباره‌ی چگونه بهتر تدریس کردن را به او بدهند. کم‌کم از متون رسمی و دانشگاهی بد تدوین شده که گویی اصلاً ربطی به تجربیات کلاس درس ندارد، نومید شد. به همین دلیل بود که نظرات و یادداشتهای خودش را به صورت کتابی در آورد که به معلمان تازه‌کار و به معلمان با تجربه نیز کمک کند. زیبایی این یادداشت‌ها در این است که همگی در محیط کلاس درس عملاً مورد محک و آزمایش قرار گرفته است. برخی از آن‌ها مثال‌هایی عینی از سخنانی است که شاید هر معلمی در یک موقعیت خاص تدریس از آن استفاده کند. برخی نیز توضیحاتی برای آگاه سازی معلمان از محدوده‌های خطر و بسیاری نیز راهکارهای پیشنهادی برای کار کردن با شاگردان بدقلق است. جانی یانگ کار تدریس را درست بعد از ترک پست مدیریت در یک بانک شروع کرد. او شانزده سال در بانک کار می‌کرد، اما در تمام زندگی همیشه رؤیای معلمی را در سر می‌پروراند. دوست داشت بر نسل کاملی از دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. او تحصیلاتش را به صورت نیمه وقت ادامه داده بود تا مدرک افتخاری رشته ادبیات انگلیسی از یک دانشگاه بدون کنکور بگیرد؛ به کارکنان بانک درس داده، مدتی هم کلاس‌های شبانه آموزش بزرگسالان را برگزار کرده بود. به همین خاطر، با اعتماد به نفس وارد مدرسه‌ای شد که لطف کردند و او را فقط با یک امتحان عادی قبول کرده بودند. در بخشی از کتاب هنر معلمی: ۱۲۰ راهکار مهم در تدریس و کلاس‌داری (ideas for managing behaviour) می‌خوانید: بعضی دانش‌آموزان دردرس‌ساز، خیلی مهارت دارند که چگونه شما را به مشاجره بکشانند. برای مثال، ممکن است دانش‌آموزی با شما وارد جر و بحث شود، آن‌گاه دوستان خود را هم به کمک فرا بخواند. بهترین عکس‌العمل استفاده از «فن بدل» است. این جاست که باید آن‌چه را دانش‌آموز می‌گوید بپذیرید تا توجهات را مجدداً به درس برگردانید. شاید چندین بار لازم شود که این کار را بکنید. گاهی هم خوب است که توجه خود را به سوی شاگردی معطوف کنید که می‌داند به خوبی مشغول درس است.



دکتر محمد زاری دانشیار پرديس شهيد رجايه فارس



دکتر نادر دستان دانشیار پرديس شهيد رجايه فارس

نظریه سبک زندگی:

الگوی کنش‌های سبک زندگی، روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند. سبک زندگی دو ویژگی اصلی دارد؛ یکی داشتن الگو و دوم اینکه در این کنش‌ها نوعی ترجیح وجود دارد. به عبارتی؛ مردم بسیاری از رفتارها را بر حسب اجبار یا عادت انجام می‌دهند، اما بخشی از رفتارهایشان از سر انتخاب و ترجیح است. این انتخاب‌ها به باورها و سلیقه‌های افراد برمی‌گردد و در نتیجه با هم تناسب و ربط دارد و از این مناسبات می‌توان الگو یا الگوهایی استخراج کرد. نظریه‌پردازان و محققان سبک زندگی در مورد برخی مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و شروط تحقق سبک زندگی در یک جامعه متفق‌القول هستند و در مورد برخی دیگر، اختلاف نظر دارند. ویژگی‌های مورد توافق عبارت‌اند از:

۱. ترجیحات افراد در زندگی روزمره دارای سبک است.
 ۲. سبک زندگی هم وجه فردی و هم وجه گروهی دارد، اما اعضای یک گروه سبک زندگی با هم تعامل دائم یا پایدار ندارند.
 ۳. شرط تحقق سبک زندگی، داشتن حق انتخاب در میان محدودیت‌های ساختاری است؛ بر این اساس، الگوی ازدواج و نحوه همسرگزینی از جمله ابعاد سبک زندگی است. در دنیای کنونی، افراد از سبک‌های زندگی والدین خود تبعیت نمی‌کنند؛ آنها سبک‌های زندگی خود را تغییر می‌دهند که بر تمام جوانب زندگی‌شان از جمله همسرگزینی تأثیر خواهد گذاشت.
- همین سبک زندگی جدید است که سطح توقع را افزایش و تاب‌آوری را در نسل جدید پایین برده‌است و باعث شده دو نفر که قرار است نهادی به نام خانواده را تشکیل دهند، موفق به تشکیل آن نشوند و اگر شوند ریسک بالایی برای نگهداری زندگی مشترک داشته‌باشند.

نظریه برابری جنسیتی

در سراسر قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰، نهاد خانواده در تمام کشورهای پیشرفته معاصر به صورت نهادی قلمداد می‌شد که در آن، جنس مذکر نان‌آور خانواده محسوب می‌شد و مسئولیت نگهداری بچه‌ها بر عهده‌ی مادر بود. عکس این حالت، مدل برابری جنسیتی "ایجاد تمایز بین مرد و زن" بود. در این حالت، اصل کلی آن است که فمینیست‌ها آن را عرضه و تبلیغ می‌کنند. از جمله اصول این مدل، تساوی کامل زن و مرد، برابری منابع درآمد، مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و کشیدن خط بطلان بر سیاست‌های مردسالارانه است. ملاحظه می‌شود که در این دیدگاه، بیشترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس یا رقابت در این مسیر است؛ برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و... با توجه به این مدل، زنان در همه زمینه‌ها سعی می‌کنند گام به گام با مردان پیش روند که



نگاه علم به مشکلات اجتماع

از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد دوجانبه و ضامن بقای نسل انسانی است که آثار مستقیم و غیرمستقیمی را بر زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. امروزه تغییرات ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، شرایط و ضرورت‌های جدید را برای ازدواج رقم زده و موجب بروز تمایزات آشکاری میان شیوه‌ها و ساختارهای ازدواج در جامعه سنتی و جدید شده‌است. از مهم‌ترین این تحولات، تأخیر در سن ازدواج جوانان است. این پدیده تحت تأثیر تغییرات ساختاری و ارزشی جامعه از یک سو و شرایط بی‌سازمانی و ناهماهنگی خرده‌نظام‌های اجتماعی از سوی دیگر، به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته‌است؛ مثلاً با افزایش دانشجویان دختر، میانگین سن ازدواج نیز بالا رفته‌است (ایسنا، ۱۳۹۴)؛ به طوری که بر اساس آمار ثبت احوال، شاخص تأخیر سن ازدواج در زنان، در کمتر از ۱۰ سال، به بیش از دو برابر افزایش یافته‌است. در حال حاضر افزایش میانگین سن ازدواج برای مردان به بالای ۳۵ سال و برای زنان به بیش از ۳۰ سال رسیده‌است. (روزنامه جام جم، ۱۳۹۳)

قبل از پرداختن به دلایل عدم ازدواج دانشجویی یا حتی سن ازدواج زیر ۳۰ سال، درباره چند مورد از نظریه‌های پیرامون ازدواج باهم صحبت می‌کنیم.

نظریه مدرنیسم:

امروزه فرایند نوسازی و شرایط در حال گذار جامعه ایران، نهادهای خانواده و ازدواج را در یک مسیر انتقالی قرارداده‌است. یکی از نشانه‌های بارز این انتقال، تغییر ایده‌ها و نگرش‌ها نسبت به زمان ازدواج است. همگانی شدن آموزش و تحصیلات که از رهاوردهای مهم نوسازی است، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در ارتباط با موقعیت ایده‌آل ازدواج داشته‌اند. برای مثال برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود. در نتیجه، آنها برای خود موقعیتی مشابه با موقعیت مردان طلب می‌کنند.



هدف از گفتن این سه نظریه، گفتن تغییرات و تغییر نگاه زن و مرد به هم، به خود و به جامعه است که در طی این تغییر نگرش‌ها، به این‌جا رسیدیم که ازدواج دانشجویی به حداقل خود رسیده و نرخ طلاق نیز روز به روز در حال افزایش است که متأسفانه آماری ناامیدکننده است.

چند مورد از دلایل تأخیر ازدواج دانشجویان و جوانان عبارت‌اند از: فرصت‌سازی که منجر به فرصت‌سوزی می‌شود، گرچه بسیاری از دختران تمایل دارند تا از رهاورد ورود به دانشگاه، ازدواج موفق‌تری داشته‌باشند، اما این امر از سوی دیگر موجب می‌شود توقع دختران از ازدواج و همسر آینده و ایده‌آل‌شان بالاتر برود و عده‌ی قابل توجهی از آنان به سادگی فرد مطلوب خود را نیابند. اما اتمام تحصیل برای پسران، شروع کار و پیگیری بهبود موقعیت اقتصادی است و این فاصله موجب کاهش فرصت‌های انتخاب دختران می‌شود که البته این دلیل که دانشجویان پسر به بهانه‌ی سربازی یا کار، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند، در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته نیست؛ لکن اگر دانشجویان معلمان پسر دلیل تأخیر ازدواج خود را فراهم کردن رفاه نسبی بدانند، می‌شود آن را پذیرفت. اما باید این نکته را هم یادآور شد که همه‌ی این‌ها به دلیل افزایش سطح توقع زوجین و کاهش تاب‌آوری آنهاست.

ریسک ازدواج: افزایش نرخ طلاق و ناپایداری زندگی‌های مشترک و وجود زندگی‌های اضطرابی در جامعه، موجب بی‌اعتمادی نسل جوان نسبت به طرف مقابل و ناامیدی نسبت به آینده‌ی ازدواج شده‌است. البته این ریسک و احتمال جدایی را می‌شود تا حدودی با وارد کردن مشاور و مراقبت خانواده‌ها برای شناخت هرچه بیشتر زوجین از هم، کاهش داد تا شاهد کاهش طلاق در جامعه باشیم.

زایه‌گیری خانواده از ازدواج: خانواده به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل ازدواج جوانان، گاه با تصمیماتشان سبب تأخیر در این امر ضروری و مقدس می‌شوند. گاه خانواده‌ها با فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان روبرو می‌شوند و آن‌ها را تشویق به آماده‌سازی خود برای ازدواج در آینده می‌کنند و سعی بر جا انداختن این باور که "ازدواج در دوران جوانی یا دانشجویی جلوی پیشرفت شما را می‌گیرد" در ذهن

فرزند خود می‌کنند و ازدواج فرزندان خود را به تأخیر می‌اندازند و پر واضح است که ازدواج نه تنها باعث جلوگیری از پیشرفت نمی‌شود، بلکه باعث بالا بردن بهره‌وری و افزایش انگیزه‌ی زوجین نیز می‌شود. عدم آماده‌سازی فرزندان جهت ازدواج، دومین عاملی است که خانواده‌ها متأسفانه باعث تأخیر در ازدواج یا شکست ازدواج فرزندان خود می‌شوند؛ که دلیل آن می‌تواند عدم آموزش خانواده‌ها برای آموزش جوانان باشد. عدم آماده‌سازی فرزندان جهت ازدواج، عامل بعدی است که شوربختانه، خانواده‌ها باعث تأخیر در ازدواج یا شکست ازدواج فرزندان خود می‌شوند؛ که دلیل آن می‌تواند عدم آموزش خانواده‌ها برای آموزش جوانان باشد.

این چند مورد تنها گوشه‌ای از دلایل تأخیر ازدواج در دانشجویان و جوانان است. حال که با این موارد بیشتر آشنا شدیم به بیشترین عاملی که خود جوانان به آن اشاره می‌کنند، می‌پردازیم که معتقدند اگر توانستند همسر ایده‌آل خود را پیدا کنند و خانواده‌ها باهم مشکلی نداشتند و موافق بودند، تازه بر سر اصل مطلب می‌رسیم و آن به طور حتم دلایل اقتصادی و مشکلاتی است که تمام جوانان با آن روبرو هستند. خرج عروسی و خانه که برای شروع زندگی آن هم با تغییر سبک زندگی ما و تجملاتی شدن آن، که آفت دین ما نیز هست، کمر پسران ما را شکسته و حال هزینه‌ی جهیزیه نیز کمر خانواده دختر را. بسیاری از جوانان به علت چشم و هم چشمی‌های نادرست و آداب و سننی که هزینه‌های سنگینی را موجب می‌شوند، حتی مقدمات ازدواج را هم نمی‌توانند فراهم کنند و در نتیجه از فکر ازدواج نیز هراسان‌اند. علاوه بر این، تأمین معاش و هزینه‌ی زندگی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوانان در امر ازدواج است. امید به آینده از پیش‌نیازهای ازدواج است و اگر امید به آینده با عواملی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی تضعیف شود، ازدواج هم مشکل می‌شود که شده‌است. هر دولتی وظیفه دارد تا شرایط ازدواج و تسهیل کردن شرایط را بر عهده بگیرد که متأسفانه با وجود قوانین و آیین‌نامه‌های موجود، که دولت را مکلف به انجام آن می‌کند، عزم جدی را در این امر شاهد نیستیم و اگر بخواهیم راه حلی برای آن پیدا کنیم به نظر بنده حقیر، راه آن اقدام دولت نیست؛ بلکه خود ماییم که هر یک به خودی خود با عمل خود می‌توانیم این فرهنگ اشتباه تجملات و هزینه‌های اضافی اول ازدواج را بگیریم و اگر از آن برای کار خیر استفاده نمی‌کنیم، حداقل زندگی‌مان را با آن بسازیم. به امید روزی که به فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی خود برگردیم تا بتوانیم شاهد هر چه بیشتر موفقیت زوجین در زندگی و پیروزی کشورمان باشیم.

به امید سربلندی ایران



پنجمین فصل علمی دانش شهید رجایی فارس



پنجمین فصل علمی دانش شهید رجایی فارس



پنجمین فصل علمی دانش شهید رجایی فارس

پیشنهادات دانشجو

یکی از مهمترین دغدغه های دانشجویان که به حق دغدغه ی بسیار متین و بجایی است، مسئله اساتید میباشد.

صحبت این دانشجویان آن است که از اساتید مجرب، محافظ کار و دلسوز استفاده شود تا دانشجویانی پرورش یابند که بتوانند از تربیت نسلی توانا و کاردان فائق آیند.

اما پیشنهاد دانشجویان و همکاران گرانقدردمان به ما که حقیقتاً برای ما بسیار ارزشمند است:

به نظر عموم (ما نظرات متعدد را جمع آوری کرده و نتیجه واحد را خدمتتان ارائه میدهم) اساتید باید با عملکرد خود، دانشجویان را شیفته خود و درس نمایند تا بتوانند الگویی تمام عیار برای آنها باشند، چراکه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نسبت به سایر دانشگاه ها تفاوت هایی دارند که یکی از آنها تدریس است و لذا دانشجو اگر یک الگو برای خود در نظر داشته باشد، راحت تر میتواند در کلاس حاضر شود و همچنین تجربه اساتید آنها برایشان بسیار مهم است و آنها نه تنها تجربه تدریس آکادمیک بلکه تدریس معلمی را نیز از یک استاد متوقع اند.

پیشنهاد انجمن علمی علوم تربیتی پردیس شهید رجایی به مسئولین محترم:

۱- بهره جستن از اساتیدی که حداقل مدرک دکترا را داشته باشند.

۲- استفاده از اساتیدی که معلم بوده اند یا اینکه سابقه تدریس در مدارس را دارا میباشند چرا که اساتیدی که معلم هم باشند میتوانند دانشجویان را با واقعیت کلاس ها مواجه کنند و همچنین راهکارهای کنترل کلاس را نیز به آنها بگویند و در مجموع میتوانند تجربیات مفید تدریس خود در کلاس مدارس را به دانشجو ها منتقل نمایند.

۳- بکارگیری اساتیدی که دلسوز باشند و محافظ کار تا در تدریس خود چیزی را مضایغه ندارند و این ذهنیت را در خود پیروانند که دانشجومعلم ها عهده دار پرورش نسل های آینده میباشند و کم کاری در آموزش آنها میتواند ضرر نسل کشی را به بار آورد. مورد بعد که بودن آن میتواند بسیار مثر و ثمر و در عین حال نبودش میتواند مضر و آسیب زا باشد که همکاران بزرگوار ما بخوبی به آن اشاره کرده و از آن خبردارند، مسئله کتابخانه و کتاب محوری است.

تقاضای همکاران از مسئولین:

همکاران ما تجهیز شدن کتابخانه به کتب و امکانات به روز و جدید را از مسئولان ذیربط خواستار بوده اند که این مهم حاکی از علم محوری دانشجویان میباشد چراکه تا دغدغه و مسئله ای در ذهن فرد وجود نداشته باشد، به آن فکر نمیکند تا چه رسد به بیان کردن و خواستن آن و مطالبه گری.

پیشنهاد انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهید

رجایی فارس به شرح زیر می باشد:

از آنجا که وظیفه هر دانشجو نه تنها در کشور ما بلکه در سراسر جهان علم اندوزی است، و علم بدست نخواهد آمد مگر آنکه وسیله ی اصلی آن که همانا کتاب میباشد، در اختیار باشد، اما مسئله امروز ما مسئله خود کتاب نیست بلکه بروز بودن و تمام مدت در اختیار بودن کتاب است که دغدغه و مسئله میباشد لذا پیشنهاد ما به مسئولان محترم و ذیصلاح شامل چند مورد میباشد:

۱- از آنجایی که در تمام پردیس ها کتابخانه و ساختمان آن موجود میباشد، خریداری برخی کتب تجدید چاپ شده، تازه تألیف شده، جدیدالورود به بازار، کتبی که با تیراژ بالا چاپ و استقبال گسترده توسط مخاطبان انجام گرفته، خریداری و در اختیار دانشجو ها قرار بگیرند.

۲- استفاده از فضای مجازی و زندگی مجازی و علاقه مجازی، دانشگاه اقدام به تهیه و تولید کتابخانه مجازی نماید تا دانشجو ها هر زمان که اراده کنند بتوانند از آن بهره ببرند.

دانشجو معلم

آینده ساز

ایران



شیرکت دانشمندان گروه آموزشی مرکز استان فارس فارس



سوالات جدول:

۱. مهم ترین شخص در زندگی توست.
۲. وظیفه اصلی اشی تا مین درآمد خانواده است.
۳. پروفیسور روانشناسی که نظریه تکاملی شخصیت را در باب تفاوت بین دوجنس بیان میکند.
۴. یک نوع موسیقی است.
۵. شناخت آن زندگی را آسان تر میکند.
۶. بودنش در خانواده احساس امنیت میدهد.
۷. موجود کشنده فرعون است.
۸. نوعی خواستن است که گاهی دست نیافتنی است.
۹. عمل و عکس العمل سریع است.
۱۰. نخستین کتاب او زن خودخواه است.
۱۱. روانشناسی مارکسیست روسی که فعالیتی در زمینه روانشناسی کودک داشته است.
۱۲. روانشناس و پزشک یکی از پایه گذاران علم روانشناسی تجربی و فرهنگی در مکتب اراده گرای
۱۳. آمادگی زیستی یا بلوغ روانی که خود مبتنی بر نقشه ژنتیک میباشد.
۱۴. حکومت سناتورهایی از خانواده های اشراف ثروتمند در پایتخت ایتالیا.
۱۵. مخالف خیر است.
۱۶. یکی از عوامل موثر در تکامل انسان است.
۱۷. اغلب در تنهایی موجب طراوت روح میشود.
۱۸. کشوری متجاوز با حقوق انسان های آزاد و مسلمان
۱۹. بیماری پوستی با لکه های سفید ناشی از فقدان رنگدانه
۲۰. جانوری خزنده و گزنده
۲۱. ایمنی بدن را از بین میبرد، بردار مرگ است.

۲۳. یکی از راه های مقاومت انسان در شرایط دشوار است.
۲۴. موجودی اجتماعی که نمیتواند تنها زندگی کند.
۲۵. مکتبی که معیار قضاوت آن رفتار قابل مشاهده است.

به قول سعدی شیرازی

به پایان آمد این دفتر

حکایت به چنان باقیست

نوش نگاهتان

نشریه جوانه علم

